



ویژه امام زمان عجل الله فرجه

اردیبهشت و خرداد ۱۴۰۲

صفحه ۳۲ | شماره ۷۸



■ روزنه امید

■ شاخصه‌های عدالت گستری در حکومت دینی

■ علل تداوم غیبت امام

■ چگونگی تحقق تربیت مهدوی



دل بی توبه جان آمد
وقت است که باز آبی ...



بنیاد فرهنگی حضرت مهدی (عج)

تهران، میدان فلسطین، ساختمان ستاد اقامه نماز،
طبقه چهارم
تلفن: ۰۲۱۸۶۰۳۵۶۸۳ | سامانه پیامکی
۳۰۰۰۱۳۶۶

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی (عج) موعود (عج) است. به
عنوان نهادی فرهنگی، غیرانتفاعی و غیردولتی و
دارای شخصیت حقوقی مستقل که دارای تابعیت
کشور جمهوری اسلامی ایران می باشد؛ به منظور ترویج
و توسعه فرهنگ مهدویت و آشناسازی اقشار جامعه.
به ویژه نسل جوان با شخصیت امام مهدی (عج) است
و تحکیم پایه های امامت و ولایت، پس از کسب
موافقت مقام معظم رهبری (عج) از سوی حجت الاسلام
والمسلمین قرآنتی در سال ۱۳۷۹ تأسیس گردید.



اردیبهشت و خرداد ۱۴۰۲

ویژه امام زمان (عج)

نشریه الکترونیکی امان شماره ۷۸

صاحب امتیاز:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)

سر دبیر:

حجت الاسلام محمد رضا نصوری

دبیر علمی:

حجت الاسلام تقی حاتمی

گرافیک و صفحه آرایی:

زهرا رجیبی شیزری

سیمای حضرت مهدی در اندیشه امام خمینی

عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى
فَرَجَهُ الشَّرِيفَ

رَحْمَةً
اللَّهُ

محمد امین صادقی آرزگانی



حضرت مهدی سر امتداد لیلۃ القدر

عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى
فَرَجَهُ الشَّرِيفَ

در روایتی از امام محمدتقی علیه السلام درباره لیلۃ القدر رسیده که فرمود: «یا معشر الشیعه خاصموا بسوره انا انزلناه فی لیلۃ القدر تفلحوا»؛ یعنی ای شیعیان در مقام بحث باید با سوره مبارکه قدر استدلال نمایند تا پیروز شوید. (اصول کافی، ج ۱، کتاب حجة باب شأن سوره قدر، حدیث ۶ ص ۳۶۴)

مراد حضرت آن است که در سوره قدر از نزول فرشتگان خبر داده و فرمود: «تنزل الملائکة والروح فیها باذن ربهم» در این آیه جریان نزول فرشتگان با فعل مضارع بیان شده است که دلالت بر استمرار می‌کند؛ بنابراین به نص قرآن کریم تا پایان دنیا فرشتگان با روح القدس در شب قدر به زمین فرود می‌آیند، پس باید بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله کسی که غیر از نبوت به همه صفات معنوی آن حضرت متصف است وجود داشته باشد و با فرشتگان و روح القدس سنخیت وجودی داشته باشد تا آنها در شب قدر در زمین به حضور او بیایند بی تردید هیچ کسی غیر از امام معصوم چنین شایستگی ندارد و مهدی موعود علیه السلام به عنوان آخرین پرچمدار امامت و ولایت تنها کسی است که سبب امتداد جریان نزول فرشتگان در شب قدر شده است. (انسان در قرآن، ص ۲۴۴)

بنابراین حضرت مهدی علیه السلام در واقع سر امتداد لیلۃ القدر است و وجود مبارک او سبب فرو آمدن فرشتگان در شب قدر می‌شود، این حقیقت در اندیشه امام خمینی رحمته الله علیه نیز به خوبی تبلور یافته از جمله می‌گوید: «امتداد لیلۃ القدر: اگر سر لیلۃ القدر و سر نزول ملائکه در شبهای قدر که الآن هم برای ولی اعظم حضرت صاحب سلام الله علیه این معنا امتداد دارد، سر این‌ها را ما بدانیم، همه مشکلات ما آسان می‌شود.» (صحیفه امام (مجموعه آثار امام) ج ۱۹، ص ۲۸۵)

نظارت حضرت مهدی بر عملکرد ما

عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى
فَرَجَهُ الشَّرِيفَ

یکی از آموزنده‌ترین نکته‌ها در بحث مهدویت که اثر تربیتی عمیقی به همراه دارد، آن است که حضرت مهدی علیه السلام به طور مستقیم و غیرمستقیم ناظر بر عملکرد ماست. چون در روایات متعدد این مسئله مطرح شده که اعمال مردم در هفته به انسان کامل و حجت الهی عرضه می‌شود، چه این که او به عنوان خلیفه خداوند در زمین به طور مستقیم ناظر بر عملکرد انسان‌هاست و در قیامت به عنوان شاهد و گواه نسبت به اعمال انسان گواهی می‌دهد. از جمله در روایتی چنین آمده: «تعرض الاعمال یوم الخمس علی رسول الله و علی الائمة» (بحار الانوار، ج ۲۳، باب ۲۰، حدیث ۲۸، ص ۳۴۵)

یعنی اعمال مردم روز پنج‌شنبه بر رسول خدا ﷺ و ائمه علیهم‌السلام عرضه می‌شود. و در ذیل این آیه که فرمود: «فکیف اذا جئنا من کل امه بشهید و جنابک علی هولاء شهیدا» (سوره نساء، آیه ۴۱) یعنی پس چگونه است حالشان آنگاه که از هر امتی گواهی آوریم، و تورا به آنان گواه آوریم. در روایتی از امام صادق علیه‌السلام چنین نقل شده که فرمود: این آیه در خصوص امت محمد ﷺ نازل شده که در هر عصری امامی از ما اهل بیت ﷺ شاهد آنها و حضرت محمد ﷺ شاهد ماست. (بحار الانوار، ج ۲۳، باب ۲۰، حدیث ۱، ص ۳۳۶)

این حقیقت به عنوان یکی از زنده‌ترین آموزه‌های مسئله مهدویت در اندیشه امام خمینی رحمه‌الله به صورت زیبا مطرح شده و ایشان با اشاره به این نکته که انسان از جهات مختلف تحت مراقبت‌های گوناگون الهی قرار دارد و مأموران الهی به طور دقیق عملکردهای انسان را کنترل و ثبت می‌کنند، در خصوص حضرت مهدی علیه‌السلام به عنوان یکی از کسانی که مراقب اعمال ماست و عملکرد بد ما سبب ناخشنودی آن حضرت می‌شود چنین اظهار داشته است: «بینید که تحت مراقبت هستید، نامه اعمال ما می‌رود پیش امام زمان (سلام الله علیه) هفته‌ای دو دفعه. به حسب روایت که خدای نخواست از من و شما و سایر دوستان امام زمان سلام الله علیه یک وقت چیزی صادر بشود که موجب افسردگی امام زمان سلام الله علیه باشد.» (صحیفه امام (مجموعه آثار امام)، ج ۸، ص ۳۹۱)

و در جای دیگر می‌گوید: «خلاف ما برای امام زمان سرشکستگی دارد، دفاتر را وقتی بردند خدمت ایشان، و ایشان دید شیعه‌های او دارد این کار را می‌کند این ملائکه الله که بردند پیش او دید، سرشکسته می‌شود امام زمان» (همان، ج ۸، ص ۳۳۳)

در صورتی که آن روایات [اشاره دارد] که هرکس علم مهدی به عنوان مهدویت بلند کند، حالا ما فرض می‌کنیم که یک همچو روایاتی باشد آیا معنایش اینست که از ما دیگر تکلیف ساقط است؟ این خلاف ضرورت اسلام، خلاف قرآن است ... شاید الآن هم بسیاری باور کنند که نه حکومت نباید باشد و زمان حضرت صاحب بیاید، و هر حکومتی در غیر زمان حضرت باطل است، این یعنی هرج و مرج، ما، درستش می‌کنیم تا حضرت بیاید.» (همان، ج ۲۱، ص ۱۷)

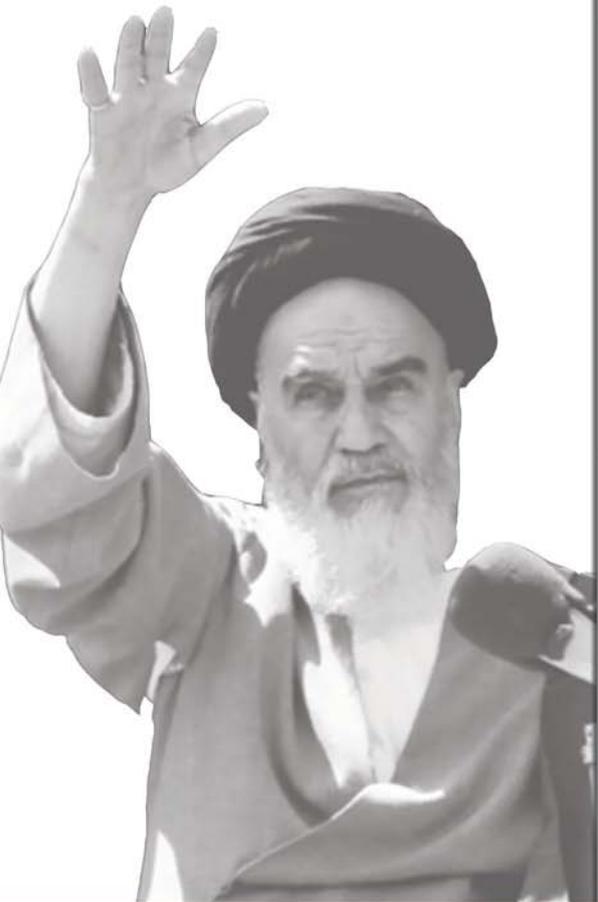
مفهوم انتظار

یکی از مهمترین مسائل مهدویت که در اندیشه امام به صورت زنده و کارآمد تجلی کرده مسئله انتظار ظهور است. این مسئله که با تفسیرها و برداشت‌های گوناگون در میان منتظران مطرح است، در اندیشه امام خمینی رحمه‌الله با تفسیر کاملاً متفاوت ارائه شده است و به دلیل اهمیت آن مورد توجه خاص ایشان بوده است لذا با تفصیل بیشتر و در موارد متعدد درباره آن سخن گفته و با نقد بسیاری از برداشت‌هایی که نوعاً ناکارآمد و کم اثر و یا بعضاً نادرست است، دیدگاه حیات‌بخشی در این باره مطرح نموده که به چند نمونه از سخنان ایشان اشاره می‌شود:

«بعضی‌ها انتظار فرج را به این می‌دانند که در مسجد، در حسینیه، در منزل بنشینند و دعا کنند و فرج امام زمان ﷺ را از خدا بخواهند، ... و یک دسته دیگر انتظار فرج را می‌گفتند این است که ما کار نداشته باشیم به این که در جهان چه می‌گذرد، بر ملت‌ها چه می‌گذرد، ما تکلیف‌های خودمان را عمل می‌کنیم، برای جلوگیری از این امور هم خود حضرت بیایند انشاء الله درست می‌کنند، دیگر ما تکلیفی نداریم، تکلیف ما همین است که دعا کنیم ایشان بیایند و کاری به کار آنچه در دنیا می‌گذرد نداشته باشیم.» (همان، ج ۲۱، ص ۱۱۳)

در جای دیگر با رد این‌گونه برداشت‌ها می‌گوید: «این منطق اشخاصی است که می‌خواهند از زیر بار در برونند، اسلام اینها را نمی‌پذیرد، اسلام این را به هیچ چیز نمی‌شمرد، اینها می‌خواهند از زیر بار در برونند، یک چیز درست می‌کنند دو تا روایت از این طرف و آن طرف می‌گردند پیدا می‌کنند... این خلاف قرآن است... اگر صد تا همچو روایت‌هایی بیاید ضربه به جدار می‌شود.» (همان، ج ۳، ص ۳۴۰)

بدین ترتیب امام خمینی رحمه‌الله با هرگونه برداشت که موجب تخدیر مردم از انتظار ظهور شود به شدت مبارزه کرد و با نقد و نکوهش کسانی که اندیشه‌ها و برداشت‌های ناصواب از انتظار ارائه می‌دهند و از خود سلب مسئولیت می‌کنند و همه مسئولیت‌ها را متوجه امام زمان ﷺ و محول به آن حضرت می‌نمایند، می‌گوید: «یک عده دیگری بودند که می‌گفتند که هر حکومتی اگر در زمان غیبت محقق بشود این حکومت باطل است و برخلاف اسلام است، آنها مغرور بودند، آنهایی که بازیگر نبودند، مغرور بودند به بعضی روایاتی که وارد شده است بر این امر که هر علمای بلند شود قبل از ظهور حضرت، آن علم باطل است، آنها خیال کرده بودند که نه هر حکومتی باشد.»



انتظار فرج یعنی

انتظار فرج یعنی همه‌ی سختی‌ها قابل برداشته شدن و برطرف شدن است. نه اینکه بنشینید انتظار بکشید؛ [بلکه] دل شما گوش به زنگ باشد. همین‌طور که در قضیه‌ی حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام به مادرش گفته شد:

«أَنَا رَادُّهُ إِلَيْكَ وَجَاعِلُهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ»^۱

این بچه را به تو برمی‌گردانیم و او را هم از مرسلین قرار می‌دهیم و نجاتتان خواهد داد؛ این، بنی اسرائیل را مستحکم کرد. بنی اسرائیل در مصر فرعون، سال‌های متمادی، مقاومت کردند؛ البته بعد خراب شدند، اما سال‌ها مقاومت کردند. همین مقاومت بود که موسی را آورد و حرکتش را آغاز کرد و دنبال او راه افتادند و به نابودی فرعون و فرعونیان منتهی شد؛ این، انتظار فرج است.^۲

۱. «وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ فَإِذَا خِفْتِ عَلَيْهِ فَأَلْقِيهِ فِي الْيَمِّ وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحْزَنِي إِنَّا رَادُّهُ إِلَيْكَ وَجَاعِلُهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ؛ ما به مادر موسی الهام کردیم که: «او را شیر ده؛ و هنگامی که بر او ترسیدی، وی را در دریای نیل (بیفکن؛ و نترس و غمگین مباش، که ما او را به تو بازمی‌گردانیم، و او را از رسولان قرار می‌دهیم!» سوره مبارکه القصص آیه ۷

۲. بیانات در دیدار رمضانی دانشجویان در بیست و هفتمین روز از ماه رمضان المبارک ۱۴۴۴

امام خمینی رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ، معلم ملت ایران برای حرکت به سوی ظهور

اولین قدم برای حاکمیت اسلام و برای نزدیک شدن ملت‌های مسلمان به عهد ظهور مهدی موعود ارواحنا فداه و عَلَيْهِ السَّلَام، به وسیله‌ی ملت ایران برداشته شده است؛ و آن، ایجاد حاکمیت قرآن است؛ این، آن چیزی است که دنیای مادی نمی‌خواست آن را باور بکند. امام عَلَيْهِ السَّلَام معلم بزرگ این ملت آن انسان استثنایی زمان ما؛ آن رهبر فوق‌العاده‌ای که تاریخ ما در این قرون اخیر نظیرش را مشاهده نکرده است؛ آن انسان والا با آن اخلاص فوق‌العاده راهی را پیش پای مردم ما گذاشت؛ خدای متعال هم تفضل کرد؛ دست عنایت ولی عصر عَلَيْهِ السَّلَام هم بحمدالله همواره با این ملت بوده و به آنها کمک کرده و این آگاهی در ملت ما به وجود آمده است.

امام خمینی رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ و اعطای امید و شجاعت به ملت برای مبارزه با ظلم

اعتقاد به مهدی موعود عَلَيْهِ السَّلَام دلها را سرشار از نور امید می‌کند. برای ما که معتقد به آینده‌ی حتمی ظهور مهدی موعود عَلَيْهِ السَّلَام هستیم، این یأسی که گریبان‌گیر بسیاری از نخبگان دنیاست، بی‌معناست... انسان‌ها می‌توانند تلاش کنند و پرچم عدالت را - ولو در یک نقطه‌ی محدود - بلند کنند. شما ببینید ملت‌هایی که امروز در گوشه و کنار عالم زیر فشار ظلم و ستم زندگی می‌کنند، اگر این امید را در دل خود بیورانند که می‌شود با ظلم مبارزه کرد، چه اتفاقی در دنیا می‌افتد و چطور ملت‌ها بیدار می‌شوند! یک روز ملت ایران هم در پنجه‌ی اقتدار رژیم طاغوتی دچار همین یأس بود؛ ولی امام بزرگوار ما با تعالیم اسلامی، این یأس را از دل‌ها پاک کرد و به مردم امید و شجاعت داد. نتیجه این شد که این مردم به پا خاستند، نهضت کردند، تن به سختی دادند، مبارزه کردند، از جان خود دریغ نکردند و توانستند در این نقطه از عالم، با عوامل ظلم و نظام ظالمانه و شیطانی مبارزه و آن را ریشه‌کن و سرنگون کنند.

امام خمینی رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ، شخصیت عاشورایی و زمینه‌ساز

در زمان ما، یک نفر پیدا شد که گفت «اگر من تنها بمانم و همه‌ی دنیا در مقابل من باشند، از راهم بر نمی‌گردم.» آن شخص، امام ما بود که عمل کرد و راست گفت؛ «صَدَّقُوا مَا عَاهَدُوا لِلَّهِ عَلَيْهِ» لقلقه‌ی زبان راکه - خوب همه داریم. دیدید، یک انسان حسینی و عاشورایی چه کرد؟ خوب؛ اگر همه‌ی ما عاشورایی باشیم، حرکت دنیا به سمت صلاح، سریع، و زمینه‌ی ظهور ولی مطلق حق، فراهم خواهد شد.^۱

۱. کتاب ما منتظریم، ص ۲۱۷ و ۲۱۸



پنج جلوه از محبت امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ

تَمَّا لِبَعْضِهَا كَمَا فِي جَفَنُورَتِ بِرَّازِ عَجَلِ بِنِزَارِ بِنِجَبِ بِنِزَارِ

حجت الاسلام رضا خوی و سرکار خانم سکینه خانی بی تردید، صرف وجود امام در هر زمان، با توجه به موقعیت و جایگاه امام در جهان هستی، بزرگ ترین لطف و محبت از سوی پروردگار متعال است و همگان دانسته یا نادانسته مشمول این رأفت و رحمت هستند، با این وجود، به پنج جلوه از لطف و مرحمت امام عصر عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ در دوران غیبت اشاره می کنیم:

یک: دعا؛ بدون التماس دعا

به قطع و یقین، دعا، به خصوص دعای معصوم، اجابت خواهد شد. امام رضا عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ در مورد حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ می فرمود: «دَلَّاهُ فِي حَظَلَّتَيْنِ فِي الْعِلْمِ وَاسْتِجَابَةِ الدَّعْوَةِ: (عیون أخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۱۳) امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ دو نشانه‌ی بارز دارد [که با آن‌ها شناخته می شود]: ۱. دانش؛ ۲. استجابت دعا. چه زیباست اگر بدانیم امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ برای نجات و رهایی از گرفتاری های مادی و معنوی، همواره برای شیعیان و محبان خود دعا می کنند، بدون التماس دعا! سید بن طاووس رحمته الله علیه می گوید:

شب چهارشنبه سیزدهم ذی القعدة سال ۶۳۸ قمری در «سَرِّ مَنْ رَأَى» در سرداب مطهر بودم، در هنگام سحر، آوای دل نشین امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ را شنیدم که این چنین مناجات می کرد: «خدایا شیعیان ما را از شعاع نور ما و طینت ما خلق کرده‌ای، آن‌ها گناهان زیادی به اتکاب بر محبت و ولایت ما کرده‌اند، اگر گناهان آن‌ها گناهی است که در ارتباط با توست، از آن‌ها در گذر که ما را راضی کرده‌ای و آنچه از گناهان آن‌ها در ارتباط با خودشان و مردم است، خودت بین آن‌ها را اصلاح کن و از خمسی که به حق ماست، به آن‌ها بده تا راضی شوند و آن‌ها را از آتش جهنم نجات بده و آن‌ها را با دشمنان ما در سخط خود جمع نفرما». (مهج الدعوات و منهج العبادات، ص ۲۹۵)

دو: شریک غم و شادی

شاید کمتر شنیده باشیم که امامان با وجود شأن و منزلت الهی وصف ناپذیر خودشان، از جزیی ترین حالات و مشکلات شیعیان و محبان خویش باخبرند و خود را شریک، همراه و همدم ایشان می دانند. روزی فردی به حضور امیرمؤمنان علی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ رسید و حضرت، در صورت او، زردی مشاهده کرد. حضرت پرسیدند: این زردی چیست؟ عرض کرد: بیمار و دردمند هستم. حضرت فرمودند: «ما در شادمانی شما، شاد و برای اندوه شما، اندوهگین می شویم و از مریضی شما مریض می گردیم» (بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۲۶۰)

امام رضا عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ نیز می فرماید: «هیچ یک از شیعیان ما، غم زده نمی شود، مگر اینکه ما نیز در غم آنان، غمگین و از شادی آنان، شادمانیم و هیچ یک از آنان، در مشرق و مغرب زمین، از نظر ما، دور نیستند» (بحار الانوار، ج ۶۵، ص ۱۶۸)

بی گمان، همین روش را امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ نیز ادامه می دهند، همان گونه که حضرت علی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ و امام رضا عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ فرمودند: «ما، اهل بیت عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ شریک غم و شادی شما هستیم».

سه: دفع بلا از محبان و شیعیان

یکی از برکات و ثمرات حضور فیزیکی و معنوی وجود حجت خدا در روی زمین، به عنوان خلیفه‌ی خدا و انسان کامل، این است که خداوند به واسطه‌ی ایشان، بلا را از اهل زمین دفع می نماید. این مطلب در قرآن و روایات اسلامی مورد تأکید قرار گرفته است.

قرآن کریم درباره حضرت خاتم الانبیاء عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ می فرماید:

ولی ای پیامبر! تا تو در میان آن‌ها هستی، خداوند آن‌ها را مجازات نخواهد کرد؛ و (نیز) تا استغفار می کنند، خدا عذابشان نمی کند.

(سوره انفال، آیه ۲۳)

چه بسیارند گرفتارانی که با توسل و استغاثه به آن حضرت، از مشکلات رهایی یافته، با امید دوباره، به مسیر زندگی بازگشتند و از بن بست‌ها و معضلات خارج شدند. به همین سبب است که یکی از القاب ویژه‌ی امام، «غوث» به معنی فریادرس است:

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ الْمَنْصُوبُ وَالْعَوْتُ وَالْزَّخْمَةُ الْوَأَسِيعَةُ؛ سلام بر تو ای پرچم افراشته... و فریادرس و رحمت بیکران. (زیارت آل یاسین) حضرت حجت عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ خودشان فرمودند:

«من آخرین وصی هستم و خداوند، به واسطه‌ی من بلا را از اهل و شیعیان من دور می سازد» (کمال الدین، ج ۲، ص ۴۴۱)

مرحوم آیت الله شیخ اسماعیل نمازی شاهرودی از سلسله سعادتمندان و در زمره نیک بختانی است که در سفر بیت الله الحرام پس از حادثه‌ای هولناک به همراه جمعی از حاجیان و زائران خانه خدا، موفق به دیدار جمال دلربای حضرت بقیة الله عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ می شود.

حادثه از آنجا آغاز می شود که با اشتباه و غرور یکی از رانندگان، اتوبوس حامل حجاج در بیابان‌های عربستان راه را گم می کند و پس از پیمودن مسافتی طولانی راه به جایی نمی برند. در این هنگام آب آشامیدنی و بنزین نیز به پایان رسیده و سرانجام حاجیان ناامیدانه دل بر مرگ می نهند. به درخواست آیت الله نمازی، توسلی، امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ جسته می شود و این توسل و توجه کارساز می افتد.

پنج:

تعیین مکان‌ها و دعاها

از دیگر الطاف حضرت، قرار دادن برخی ادعیه و نقاط خاص جهت ارتباط آسان‌تر با حضرت است. امام جایگاه‌هایی را برای عبادت خدا و توجه به خود برمی‌گزیند و آن را با نشانه‌ها و کراماتی همراه می‌کند تا باعث تقویت باور و اطمینان قلبی شیعیان و محبان گردد. ایشان با مهر و محبت خدایی خویش، همگان را به آن مکان‌های مقدس فرا می‌خواند، تا خدا را بخوانند و متوجه امام خویش باشند و فرج او را که در واقع فرج خود آن‌هاست، از پروردگار متعال بخواهند.

از جمله مساجد مورد توجه آن حضرت، مسجد امام حسن عسکری علیه السلام، مسجد سهله و مسجد جمکران است. از ادعیه نیز می‌توان به زیارت رجبیه، زیارت آل یاسین و دعای «إلهی عَظَمَ الْبَلَاءُ...» و مانند آن اشاره کرد. افزون بر آنچه اشاره شد، از دیگر جلوه‌های محبت حضرت، مراقبت از شیعیان و محبان در برابر دشمنان و بدخواهان، شفای بیماران، نصب و تعیین نائبان خاص و عام جهت خروج شیعیان از حیرت و تفرقه و برخورداری از پناهگاه مطمئن در فتنه‌ها و آشوب‌ها برای حل مسائل و مشکلات جاری خود، در آغوش گرفتن و ابراز محبت نسبت به برخی از شیعیان شایسته و لایق، عیادت از دوست‌داران و موارد دیگری که بیان آن‌ها در این مختصر نمی‌گنجد.

عنایت امام عصر علیه السلام از آنان دستگیری می‌نماید و حاجیان نیم‌روز با حضرت بقیة الله علیه السلام همسفر می‌شوند و پس از اینکه حضرت غایب شدند، تازه متوجه شدند که ایشان، حضرت بقیة الله علیه السلام بوده‌اند.

دیدار یار غائب دانی چه ذوق دارد
بر این باور، یکی از جلوه‌های مهربانی حضرت مهدی علیه السلام، فریادرسی آن بزرگوار در هجوم مشکلات و گرفتاری‌ها است. امام فریادرس بی پناهان و پناه بی کسان است. او مُفَرِّجُ الْكَرْبِ؛ گشاینده سختی‌ها و برطرف‌کننده‌ی اندوه‌ها و بلاهاست. (مکیال المکارم، ج ۱، صص ۳۳۲ و ۳۳۵)

امام صادق علیه السلام در توصیف امام زمان علیه السلام فرمودند:
«امام زمان علیه السلام سختی و درد و مشکلات را از شیعیانش برطرف می‌کند» (بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۹)

و در قسمتی از زیارت آن حضرت می‌خوانیم:
«خدایا درود فرست بر حجت خودت در زمین... آن آقایی که گشایش بخش دل‌ها و برطرف‌کننده‌ی هم و غم است» (بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۱۰۱)

و در روز جمعه چنین سلام می‌دهیم:
«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ الَّذِي يَهْتَدِي بِهِ الْمُهْتَدُونَ وَيَفْرَجُ بِهِ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ»
سلام بر تو ای نور خدایی که هدایت یافتگان به نور تو هدایت می‌شوند و فرج مؤمنان به وسیله‌ی تو حاصل خواهد شد. (مفاتیح الجنان، زیارت روز جمعه، اوصاف المهدی علیه السلام، احمد سعیدی)

چهار: پناه اهل ایمان

هر فردی در دنیا، نیازمند پناهگاه و پشتوانه‌ی قابل اعتمادی است که آن هنگام که همه‌ی وسیله‌ها منقطع شده و اضطراب و بیچارگی به انسان رو نموده و او را به نقطه‌ی یأس و ناامیدی مطلق کشانده است، بتواند به آن تکیه کند.

در روایات، از پیشوایان دین و ائمه‌ی اطهار علیهم السلام به عنوان (كَهْفِ الْوَرَى؛ یعنی پناهگاه مردم) تعبیر شده است؛ بدین معنا که آن بزرگواران، پناهگاه امن مردم از خطرهای بوده و همواره آغوش آنان برای رهایی و نجات‌گرفتاران باز است.

از جلوه‌های مهر و محبت امام زمان علیه السلام آن است که هر گرفتار و دوستداری می‌تواند به ایشان پناهنده شود و پشتوانه‌ای محکم و مطمئن در حوادث و اتفاقات برای خود داشته باشد؛ از این رو یکی از القاب آن حضرت «کهف» است. او ملجأ هر دردمند و پناه هر گرفتاری است که به حضرتش پناه آورده و به آستانش دست نیاز بلند کرده باشد.

امام باقر علیه السلام به نقل از امیرمؤمنان علیه السلام در مورد ویژگی‌های امام مهدی علیه السلام می‌فرماید:
«أَوْسَعُكُمْ كَهْفًا وَ أَكْثَرُكُمْ عِلْمًا وَ أَوْسَعُكُمْ رَحْمًا؛ مهدی علیه السلام از همه‌ی شما مردمان را بیشتر پناه می‌دهد و از همه‌ی شما علمش افزون‌تر و رحمت و لطفش از همه فراگیرتر است.»

(اثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، ج ۵، ص ۱۶۰)



ببرای عدالت

زندگی سیدالشهدا، زندگی حضرت صاحب‌الزمان (عج) زندگی همه انبیای عالم، از آدم تا حالا همه شان این معنا بوده است که در مقابل جور، حکومت عدل را می‌خواستند درست کنند.

سید محمد باقر
امام زین العابدین

شاخصه‌های عدالت‌گستری در حکومت دینی

حجت‌الاسلام سید حسین اسحاقی

عدالت در قرآن

ارزش و عظمت عدالت در سطح اجتماع از منظر قرآن به حدی است که خداوند به طور قاطع به آن فرمان می‌دهد:

«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ...» (نحل/۹۰) خداوند به دادگری و... فرمان می‌دهد.»

قرآن کریم بر همین اساس یکی از اهداف عمده پیامبران را اقامه عدل و قسط می‌شمارد و می‌فرماید:

«لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید/۲۵)

به راستی پیامبران خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنها کتاب و میزان [شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه] را فرود آوردیم تا مردم قیام به عدالت کنند.»

این اصل قرآنی یعنی اجرای عدالت کامل در جامعه بشری در سیره عملی رسول خدا (ص) آشکار بود. امام باقر (ع) در این باره می‌فرماید:

«أَبْطَلَ مَا كَانَتْ فِي الْجَاهِلِيَّةِ وَاسْتَقْبَلَ النَّاسَ بِالْعَدْلِ» [پیامبر (ص) آنچه را در جاهلیت بود از میان برد و با عدالت به سوی مردم روی آورد.] (الحیة، ج ۶، ص ۳۵۹)

از نظر امام علی (ع) آن اصلی که می‌تواند تعادل اجتماعی را حفظ کند و همه را راضی نگهدارد و به پیکر اجتماع، سلامت و به روح اجتماع آرامش ببخشد، عدالت است.

(سیری در نهج البلاغه، شهید مطهری، ص ۸۰)

عدالت، ریشه در فطرت انسان دارد. هر انسانی به طور فطری تشنه عدالت است و این تشنگی و شیفتگی از اعماق وجود او نشأت می‌گیرد. عدالت قانونی است فراگیر که همه ابعاد زندگی اجتماعی را در برمی‌گیرد و نظام هستی نیز بر محور آن می‌چرخد. عدالت جایگاه ممتازی در حکومت دینی؛ به ویژه در حکومت آرمانی آخر الزمان دارد.

مفهوم‌شناسی عدل

واژه شناسان، عدل را به معنای برابری، همسانی و همانند مساوات گرفته‌اند... (لسان العرب ج ۱، ص ۴۳۶) راغب اصفهانی می‌گوید: عدل، عدالت و معادله، واژه‌هایی است که معنای مساوات را در بر دارد....

(مفردات فی غریب القرآن، ص ۳۲۵ و ۴۰۳)

در مجموع می‌توان گفت: در تصریف عدالت، رعایت تساوی و نفی هرگونه تبعیض، رعایت حقوق افراد، دادن حق به حق دار و قرار گرفتن هر چیزی در جای خود، از بهترین تعریف‌هاست که شامل جمله معروف: «العدل اعطاء كل ذي حق حقه» و جمله معروف امیرالمؤمنین (ع) «وضع كل شیء فی موضعه» (نهج البلاغه، حکمت ۴۳۷) هم می‌شود.

ارزش عدل

از اصول و سنت‌های تغییرناپذیر الهی که بر آسمان و زمین حاکم است، اصل عدالت است. در سیره و تاریخ رهبران دینی، این موضوع مورد توجه قرار گرفته است، چنانچه حضرت علی (ع) می‌فرماید: «وَالْعَدْلُ أَسَاسُ بَيْتِ قَوْمِ الْعَالَمِ» (بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۸۳) عدل پایه و ستونی است که هستی بدان پایرجا و استوار است.»

در اندیشه حضرت علی (ع) حتی پایه‌های آبادانی و عمران شهرها نیز وابسته به اجرای عدالت است: «مَا عُمِّرَتِ الْبُلْدَانُ بِمِثْلِ الْعَدْلِ» (غرر الحکم، ص ۴۰۷)؛ هیچ چیز مانند عدل باعث آبادانی شهرها نیست.» در اصل، عدالت، عامل بقای دولت‌ها و ضامن استمرار ملت‌هاست.

استاد شهید مطهری (ع) در مورد جایگاه عدل در قرآن می‌گوید: در قرآن از توحید تا معاد، از نبوت تا امامت و زعامت و از آرمان‌های فردی گرفته تا هدف‌های اجتماعی، همه بر محور عدل استوار شده است. عدل قرآن همدوش توحید، رکن معاد، هدف تشریح نبوت و فلسفه زعامت و امامت، معیار کمال فرد و مقیاس سلامت اجتماع است.» (عدل الهی، ص ۲۸)

عدالت، بنیاد حکومت اسلامی

نقطه مقابل عدالت اجتماعی، ظلم و بی عدالتی است که باعث نابودی حکومت است. پایمال کردن حقوق دیگران موجب دگرگونی نعمت های الهی و نزدیک سازی خشم و غضب الهی است. امام علی علیه السلام نتیجه بد فرجام ظلم را در یک کلمه خلاصه فرموده است: «الْجَوْرُ مُمْحَاةٌ؛ جور و ستم محو کننده است». (غرر و درر، آمدی، ج ۱، ص ۶۵)

مرحوم حضرت امام علیه السلام می فرماید: «اصولاً شأن دین از ایجاد حکومت و دخالت انبیا در سیاست و مبارزات خستگی ناپذیر آنان با مستکبران و زورگویان و سرمایه داران تنها در همین راستا قابل تحلیل و توجیه است. اگر آنان تنها مأمور تأمین آخرت بودند، مزاحمت معاندان و مخالفان در راه رسالت با آنها بی معنی و بدون وجه بوده است. وضع قوانین و مقررات اسلامی اقتضا می کند که پیامبر صلی الله علیه و آله مأمور تشکیل حکومت باشد؛ چرا که اجرای بعضی از قوانین مخصوصاً قوانین مالی، بدون حکومت ممکن نیست. تشکیل حکومت حق برای جلوگیری از ظلم و جور و اقامه عدالت اجتماعی که بزرگانی مانند سلیمان بن داود و رسول اکرم و ائمه علیهم السلام برای آن کوشش می کردند، از بزرگ ترین واجبات و اقامه آن از والاترین عبادات است.» (کتاب البیع، امام خمینی رحمته الله علیه، ص ۴۶۲)

کارگزاران عدل گستر

یکی از نیازهای حکومت های دینی برای برقراری عدالت در جامعه، تربیت مهره های کارآمد و کارگزاران عادل است. نبود چنین افرادی، زیان های جبران ناپذیری به همراه دارد. در آیاتی از قرآن کریم به اهمیت بیان توانمند در کنار رهبران اشاره شده است. حضرت موسی علیه السلام از خدا می خواهد که وزیری برای او از خانواده اش قرار دهد: «وَاجْعَلْ لِي وَزِيرًا مِّنْ أَهْلِي» (طه/۲۹) چون برای اجرای مأموریتش، پشتوانه محکمی می خواست. در آیه ای دیگر به شکل واضح تری آمده است: «وَ لَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَ جَعَلْنَا مَعَهُ أَخَاهُ هَارُونَ وَزِيرًا؛ و به یقین ما به موسی کتاب عطا کردیم و بردارش هارون را همراه او دستیار گردانیدیم.» (فرقان/۲۵) علاوه بر قرآن، در سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام نیز شواهد بسیاری در مورد اهمیت نیروسازی، قبل از هر گونه کار اصلاحی می توان مشاهده کرد.

امام مهدی علیه السلام نیز می خواهند آرمانی ترین نظام عادلانه را در جهان ایجاد کنند، پس باید ریشه ها را محکم و نیروهای کارآمد را تربیت نمایند؛ چون هر قدر آرمان انقلابی بالاتر باشد، به مهره های نیرومندتری نیاز است. حضرت مهدی علیه السلام یارانش را به همه شهرها گسیل می دارد و به آنان دستور می دهد که عدل و احسان را شیوه خود سازند. اصحاب مهدی علیه السلام از طرف حضرت، فرمانروایان کشورهای جهان می گردند و حضرت به آنان فرمان می دهد که شهرها را آباد سازند. طبیعی است در حکومتی که امام مهدی علیه السلام رهبری آن را به عهده دارد، کارگزاران و مسئولان حکومت نیز باید از بزرگان و نیکان امت باشند. از این رو می بینیم در روایت، کابینه دولت حضرت مهدی علیه السلام ترکیبی از پیامبران و جانشینان آنان، تقواییان و صالحان روزگار و امت های پیشین و از سران و بزرگان اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله معرفی شده اند که نام برخی از آنان بدین قرار است: حضرت عیسی علیه السلام، هفت نفر از اصحاب کهف، یوشع وصی موسی علیه السلام، مؤمن آل فرعون، سلمان فارسی، ابو دجانة انصاری، مالک اشتر نخعی و قبیلہ همدان و در برخی روایات نام مقدار نیز آمده است. (معجم رجال الحدیث، ج ۸، ص ۲۱۴)

عدالت در هیئت حاکمه

برای تحقق عدالت مورد نظر قرآن، حاکم باید از ویژگی هایی برخوردار باشد تا توانایی لازم را برای رساندن جامعه به این هدف داشته باشد. این ویژگی ها نه تنها در حاکم؛ بلکه باید در هر مسئولی که در پیکره دولت اسلامی قرار می گیرد، به تناسب مسئولیت و وظیفه اش وجود داشته باشد. از جمله این ویژگی ها می توان به موارد زیر اشاره کرد:

..... دانش

دانش و آگاهی نسبت به قوانین و مقررات اسلامی؛ به ویژه در بُعد اقتصادی از ویژگی های مهم مسئول است، چنانچه قرآن کریم می فرماید: « [یوسف] گفت: مرا بر خزانه های این سرزمین بگمار که من نگهدارنده دانا هستم.» (یوسف/۵۵)

آنچه در زمامدار اسلامی شرط است داشتن آگاهی و بینش صحیح و برخاسته از متون دینی و سیره پیشوایان است.

..... اعتقاد

در کنار بینش صحیح، کارگزار باید به توانایی و قابلیت قوانین اسلام در صحنه عمل ایمان داشته باشد. حضرت علی علیه السلام در این باره می فرماید: «عدالت جاری نمی کند مگر کسی که عدل را نیکو می شمارد.» (کافی، ج ۱، ص ۵۴۲)

..... عدالت

اسلام برای مسئولیت های مختلفی چون: امامت جماعت، قضاوت و ولایت بر جامعه، عدالت را شرط می داند؛ گرچه درجه عدالت در هر یک متفاوت است. کسی که گرفتار هواهای نفسانی است و هنوز در وجود خود تعادل و توازن ایجاد نکرده؛ چگونه می تواند رسالت هدایت جامعه را به عهده گیرد و عدالت را پیاده کند؟ به تعبیر امام علی علیه السلام: «امرا دین [خدا] را فقط کسانی می توانند برپا دارند [و احکام خدا را عمل کنند] که سازش نکنند، هم رنگ جماعت نشوند و در پی مطامع نباشند.» (نهج البلاغه، حکمت ۱۰۷)

رفاه عمومی

در پرتو عدالت اقتصادی

در جامعه اسلامی، وضعیت معیشتی باید به گونه ای باشد که تمامی آحاد جامعه از امکانات زندگی در تمام زمینه ها به اندازه کفاف برخوردار باشند. فقر مالی از دید اسلام امری مطلوب معرفی نشده؛ بلکه چیزی منفور است که می تواند سبب مشکلات اخلاقی و اجتماعی گردد.

حضرت علی علیه السلام می فرماید: «فرزندم! از فقر بر تو هراسناکم. از فقر به خدا پناه ببر که همانا فقر، دین انسان را ناقص و عقل را سرگردان می کند و برانگیزاننده خشم خدا و خشم بندگان خداست.»

(نهج البلاغه، حکمت ۳۱۹)

با این همه، آنچه بیش از خود فقر اثر منفی دارد، احساس فقر و ناداری و کمبود است؛ چه بسا افرادی که در فقر و تنگدستی به سر می برند؛ ولی در درون از آرامش برخوردارند و خویش را از آنچه دیگران دارند بی نیاز می بینند.

علل تداوم غیبت امام

حجت الاسلام قنبر علی صمدی

تداوم غیبت امام عصر عجل الله فرجه در حقیقت معلول تداوم عواملی است که سبب وقوع آن شده است. این عوامل و اسباب، در هر دوره و زمانی متفاوت اند. با بررسی روایات روشن می شود که یکی از مهم ترین علل غیبت آن حضرت، عدم آمادگی جهانی برای پذیرش حکومت الهی و نبود شرایط لازم برای تحقق رسالت بزرگی است که حضرت بدان مأمور شده اند و دیگر علل یاد شده در روایات مانند خوف قتل، امتحان، عدم بیعت با طاغوت و... در واقع، فروعات این اصل و از آثار و پیامدهای آن است. بنابراین، تا آمادگی جهانی حاصل نشود، مصلحت در تداوم غیبت است و تا زمانی که جامعه ی جهانی پذیرای امام زمان عجل الله فرجه و آماده ی پیروی از او نباشد، غیبت پایان نمی پذیرد.

شیخ مفید رحمته الله درباره ی تغییر مصلحت در صورت تغییر شرایط می نویسد:

مصلحت انسان ها در ظاهر بودن پیشوایان معصوم و تدبیر و مدیریت آنان است؛ اما این در صورتی است که مردم از آنان اطاعت کنند و در یاری و همراهی آنان کوتاهی نکنند و اگر مردم نافرمانی کردند و خواستند خون آنان را بریزند، مصلحت تغییر می کند و برای امام و مردم بهتر است که امام از چشمان آنان غایب و پوشیده شود. در این صورت بر او ملامتی نیست؛ بلکه ملامت و سرزنش سزاوار کسانی است که با اعمال فاسد و اعتقاد باطل، سبب غیبت شده اند. (الفصول العشره فی الغیبة، ص ۱۱۶)

از آنچه گفته شد بر می آید که علت اصلی تداوم غیبت آخرین حجت الهی را باید در عدم انطباق شرایط اجتماعی با رسالت جهانی آن حضرت جستجو کرد. بدین معنا که رخداد ظهور دارای دو رکن اصلی است: رکن اول، امام و رسالت جهانی او و رکن دوم، امت و جامعه ی بشری. رکن نخست که مقتضی امر ظهور است، فراهم می باشد؛ اما رکن دوم، یعنی بستری اجتماعی و شرایط و الزامات تحقق این رسالت، تاکنون مهیا نشده است. از این رو، تداوم غیبت، نه به خاطر نبود مقتضی، که ناشی از فراهم نبودن شرایط جهانی برای تحقق اهداف ظهور است. توضیح آنکه خداوند متعال، آموزه ها و احکام دین جهانی اسلام را توسط رسول اکرم صلی الله علیه و آله برای هدایت تمام انسان ها نازل کرد؛ اما از آنجا که تحقق کامل دین و اهداف بعثت در زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام ممکن نبود، آخرین وصی یعنی حضرت مهدی موعود عجل الله فرجه این مأموریت بزرگ را به انجام خواهند رساند. همین امر، فلسفه ی اصلی غیبت شمرده می شود. براساس آیات قرآن، وجود مقدس بقیة الله عجل الله فرجه برای يك هدف والا و سترگ ذخیره شده و آن، تحقق کامل حاکمیت دین الهی و ارزش های والای انسانی در جامعه است:

«او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد، تا آن را بر همه آیین ها غالب گرداند؛ هر چند مشرکان کراهت داشته باشند» (سوره توبه، آیه ۳۳ و سوره صف، آیه ۹)

این هدف، به قدری بزرگ و پرثمر است که بعثت پیامبران پیشین، مقدمه ی این امر مهم، یعنی حاکمیت دین پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله توسط آخرین وصی او محسوب می شود. اگرچه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پایه گذار این طرح عظیم بوده و اهداف و برنامه های بعثت او، تمام ادیان را به تکامل رسانده، اما از این منظر، وجود مقدس ایشان نیز، زمینه ساز تحقق این هدف مهم بوده؛ چراکه این رسالت بر عهده ی آخرین وصی او گذاشته شده است:

«خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند وعده می دهد که قطعاً

آنان را حکمرانان روی زمین خواهد کرد. همان گونه که خلافت روی زمین را به پیشینیان آن ها بخشید. و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه دار خواهد ساخت و ترسشان را به امنیت و آرامش تبدیل خواهد کرد؛ آن چنان که تنها مرا خواهند پرستید و چیزی را شریک من نخواهند ساخت...».

(سوره نور، آیه ۵۵)

بر اساس این آیه، ثمره ی ظهور آخرین حجت الهی، شکل گیری جامعه ای دین مدار است که مهم ترین خصیصه ی آن، عبودیت الهی در همه ی شئون حیات خواهد بود.

همچنین همان گونه که تبدیل حالت حضور به حالت غیبت، ناشی از تعامل منفی امت با امام بود، تغییر این حالت نیز وابسته به تغییر و اصلاح رابطه ی امت با امام خواهد بود. تا زمانی که این رویکرد منفی و مخرب، به یک رویکرد مثبت و سازنده تبدیل نشود، تداوم غیبت نیز اجتناب ناپذیر خواهد بود. از این رو، آمادگی مردم برای پذیرش دعوت حضرت، اساسی ترین شرط پایان یافتن غیبت و فرارسیدن هنگامه ی ظهور شمرده می شود.

البته عدم تمکین مردم، کوچک ترین تأثیری در مشروعیت حکومت امام ندارد، ولی باعث کناره گیری امام از حاکمیت می شود؛ چنان که درباره ی اغلب ائمه علیهم السلام چنین شد، اما اگر مردم با اطاعت پذیری خود، زمینه و شرایط را برای تصرف مستقیم حجت خدا فراهم کنند، وعده ی خداوند نیز محقق خواهد شد و امام با ظهورش زمین را از عدل و قسط پر کرده، ظلم و بیداد را از بین خواهد برد.





روزنه امید...

حجت الاسلام حسین الهی نژاد

اصل تکامل

هر موجودی برای رسیدن به کمال تلاش و کوشش می کند و نوع انسان نیز از این قاعده مستثنی نیست. و چنانچه فرد برای رسیدن به کمال، مراحل نظیر غرایز و احساسات را طی کرده و به مرحله تعقل و شعور پا می نهد که اساساً این دوره ها از یکدیگر متفاوت هستند، اجتماع انسانی نیز خواه ناخواه برای رسیدن به کمال باید این سه دوره را طی کند.

آری بشر یک روز کودک بود، و زندگی اش در پرتو حاکمیت غرایز اداره می شد، سپس به تدریج به دوره احساس رسید؛ شرارت ها، آدم کشی ها، و زدوخوردهای فراولن، محصول این دوره است؛ ولی انسان، کم کم به دوره زندگی عقلانی نیز می رسد، و همین زندگی عقلانی، مرحله کمال انسانیت است. البته جامعه انسانی هنوز تا رسیدن به دوره تکامل عقلی و زندگی عقلانی همراه با پیاده شدن فرهنگ دینی، فاصله زیادی دارد. البته با وجود همه چالش ها و ناهنجاری ها، نباید ناامید شد؛ زیرا سیر حرکت بشر سیر متری و به سوی کمال است و نغمه های دل نوازی که حاکی از رویکرد روح جمعی بشر به سوی ترقی است، آینده روشن و نوید بخشی را فراسوی انسان ترسیم می کند، نغمه های تازه و امید بخشی نظیر طرح موضوع «خلع

فرجام نگری یکی از مسائلی است که از دیرباز در میان جوامع بشری مطرح بوده و پیشینه ای به وسعت تاریخ بشر دارد. انسان های نخستین تا انسان های کنونی، همگی در نگاه به آینده خویش و داشتن دغدغه نسبت به آن، اتفاق نظر دارند؛ اما در این میان، اختلافاتی نیز در نوع نگرش و باورها مطرح بوده که باعث دیدگاه های متضاد درباره آینده بشر شده است که از این رهگذر، برخی نگاهی خوش بینانه داشته و عده ای نیز آینده تاریک و غبارآلودی را برای بشر در نظر گرفته اند.

بی تردید در نگاه اولیه، قرائن و شواهد گواهی می دهند که دنیا به سوی فاجعه پیش می رود، و دیدگاه کسانی درست است که برای بشر آینده ای تاریک پیش بینی کرده اند. ترک عواطف، افزایش فاصله طبقاتی، ظهور اختلافات دولت ها و ملت ها، بروز ناهنجاری ها و نابسامانی های اخلاقی و اجتماعی، ازدیاد ظلم و ستم، شیوع تبعیض و نابرابری، و مانند آن شواهدی برای این دیدگاه است. آگاهان سیاسی می گویند: تنها بمب های هسته ای موجود در زرادخانه های بعضی از کشورها، برای نابود ساختن تمام شهرهای کره زمین، نه یک بار؛ بلکه هفت بار کافی است.

بنابراین در نگاه ابتدائی حق با کسانی است که آینده را تیره و تار می بینند و می گویند: جهان در آینده نزدیک با یک تنازع کلی و با یک جنگ فراگیر، به دیار نیستی گام می نهد و نظام زندگی و سایر موجودات زمینی، برای همیشه فرو می ریزد.

اما کسانی که آینده جهان را روشن ارزیابی می کنند، با استناد به براهین عقلی و نقلی به انسان های خسته و ملول از فرهنگ ها و مکاتب پوچ گرا، نشاط و حیات دوباره را نوید می دهند.

در راستای این دیدگاه که آینده را مثبت ارزیابی می کند، به بیان چند دلیل می پردازیم:

برهان فطری

فطرت انسان بر محور عدالت خواهی و ظلم ستیزی استوار است و بشر ذاتاً از ظلم متنفر بوده و ستم را زشت می شمارد. همه افراد بشر در هر تیره و رنگی و در هر سن و سالی که باشند، به ندای فطرت خود پاسخ می دهند و بی عدالتی را به هر شکل آن، برنمی تابند.

انسان بخاطر همین ویژگی فطری، همواره برای رهایی از ظلم و ستم تلاش کرده است.

بر اساس آموزه های اسلامی، در دوران ظهور و حکومت واحد جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه بشر به این خواسته فطری و گرایش درونی خود می رسد و عدالت پایدار توسط امام زمان عجل الله تعالی فرجه در سراسر گیتی استقرار می یابد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره این رخداد مهم می فرماید: «مردی از اهل بیت من که هم نام و هم خلق من است قیام می کند و زمین را از عدل و داد پر می سازد چنانکه از ظلم و ستم پر شده باشد.»

(منتخب الاثر، ص ۱۷۹)

سلاح های کشتار جمعی» و «همکاری های بین المللی» و «مسئله حقوق بشر» و نظایر اینها، همه می تواند امیدوار کننده باشد و به عنوان نمودارهایی از رشد و بلوغ عقلی بشر هر چند در افق محدود قلمداد گردد. گرچه سردمداران استکبار از این شعارها به عنوان ابزاری برای رسیدن به مقاصد خود بهره می برند.

3. هدایت عمومی

دانه گندمی که در دل خاک با شرایط مناسبی قرار می گیرد، شروع به رشد و نمو کرده و به شاهراه تحول می افتد و هر لحظه صورت و حالت تازه ای به خود گرفته، با نظم و ترتیب مشخصی راهی را می پیماید تا بوته ای کامل شود.

اگر هسته میوه ای در مهد زمین قرار گیرد، سیر مشخصی را می پیماید تا به صورت درختی برومند درآید.

اگر نطفه حیوانی در رحم مادر قرار داده شود، با الگوی از پیش تعیین شده ای که در ذات آن قرار دارد، رشد کرده و به فردی کامل از آن حیوان تبدیل می شود. این راه مشخص و سیر منظم در هر یک از انواع آفرینش که در این جهان مشهورند برقرار و حاکم است.

بدیهی است که نوع انسان نیز در این نظام تکاملی که بر هستی حکمفرماست، قرار دارد و نمی تواند خود را از آن قاعده مستثنی کند؛ البته این هدایت در وجود انسان به دلیل وجود برخی ویژگیها متفاوت است. انسان با دارا بودن عقل و خرد، علاوه بر هدایت تکوینی، از هدایت فطری و تشریحی نیز بهره مند است. (طباطبائی، سید محمد حسین، شیعه در اسلام، ص ۱۳۴)

بارویکرد کلی به مفهوم هدایت در مورد انسان، هدایت را به سه گونه می بینیم:

الف. هدایت تکوینی

از آنجا که خداوند انسان را برای هدف خاصی آفریده، مقدمات وصول به این هدف را در وجودش قرار داده و نیروهای لازم را به او بخشیده است که این همان هدایت تکوینی است، چنانکه قرآن کریم می فرماید: «خدایی که به هر چیزی، آفرینش ویژه اش را داده، سپس هدایت کرد.» (طه/۵۰) «همان که آفرید و هماهنگی بخشید و آنکه اندازه گیری کرد و راه نمود.» (اعلیٰ/۲ و ۳)

ب. هدایت فطری

نیرو و گرایش دیگری در وجود بشر قرار داده شده تا عشق او به سوی هدف بیشتر شود و انسان را در راه رسیدن به تکامل مدد رساند، به این گرایش و میل باطنی، هدایت فطری می گویند. چنانکه قرآن کریم می فرماید: «فطرت الهی که مردم را بر آن خلق کرد.» (تغابن/۱۷) «سوگند به نفس و آن کس که آن را درست کرد، سپس پلیدکاری و پرهیزکاری اش را به آن الهام کرد.» (شمس/۷ و ۸)

ج. هدایت تشریحی

در راستای هدایت تکوینی و فطری، خداوند متعال، رهبران و انبیای بزرگ خویش را با پیام و تعالیم روشن، برای سعادت و رستگاری بشر، مبعوث کرد تا انسانها را به سوی هدف و رسیدن به کمال مطلوب راهنمایی کنند. این نوع هدایت را، هدایت تشریحی می نامند. چنانکه قرآن کریم می فرماید:

«به راستی پیامبران خود را با دلایل آشکار فرستادیم و با آنها کتاب و میزان را فرود آوردیم.» (حدید/۲۵)

آری انسان علاوه بر بهره مندی از «هدایت تکوینی» که همه موجودات به نحوی از آن برخوردارند، دارای «هدایت فطری و تشریحی» است، و وجود این نوع هدایت، که در قالب «گرایش و کشش درونی» و نیز در قالب «تلاش و کوشش انبیاء الهی» تبلور یافته است، بدون ثمره و نتیجه نخواهد ماند.

قطعا روزی خواهد آمد که فطرت هدایت طلب و هدایت خواه انسان به آرزوی دیرینه خود رسیده و تلاش و کوشش انبیاء و اولیای الهی به بار بنشیند.

آن روز همان روز موعود است که موعود جهانیان، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه له، پاسخ گوی گرایش های اصیل بشر، و نتیجه بخش زحمات و تلاش های رسولان الهی خواهد آمد تا انسان ها از نعمت هدایت عمومی بهره مند شوند.

بدیهی است اگر عمر تاریخ بشر به سر آید و گرایش و میل راستین فطری بشر بدون پاسخ گذاشته شود و نیز زحمات طاقت فرسای پیامبران ع بدون نتیجه بماند، بیهوده و لغو بودن گرایش های فطری بشر را در پی خواهد داشت و این با حکیمانه بودن افعال الهی سازگاری ندارد.

پس ضروری است که روزی فرارسد تا در آن روز هدایت الهی در سراسر جهان، کران تا کران، استقرار یابد و همه مردم در پرتو دین و مکتب واحد، هدف و غایت واحد، و نیز با رهبری یگانه، به تعالی و تکامل مطلوب نایل آیند.

«اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغِبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيمَةٍ تُعِزُّ بِهَا الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ وَتُذِلُّ بِهَا التَّفَاقُ وَأَهْلَهُ؛ بار خدایا، ملتسمانه از تومی خواهیم، حکومتی ارجمند [حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه له] را که با آن، اسلام و مسلمانان را عزت می بخشی و نفاق و منافقان را خوار می گردانی.»

دعای افتتاح

حضرت علی علیه السلام به مردم فرمود: به نظر شما امید بخش ترین آیه قرآن کدام آیه است؟ بعضی گفتند آیه ی: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ» خداوند هرگز شرک را نمی بخشد و پائین تر از آن را برای هر کس که بخواهد می بخشد.^۱

حضرت فرمود: خوب است؛ ولی آنچه من می خواهم نیست. بعضی دیگر گفتند: آیه ی «وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا» هر کس عمل زشتی انجام دهد یا بر خویشتن ستم کند؛ سپس از خدا آمرزش بخواهد، خدا را غفور و رحیم خواهد یافت.^۲

حضرت فرمود: خوب است؛ ولی آنچه من می خواهم، نیست. بعضی دیگر گفتند: آیه ی «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» ای بندگان من که بر اثر گناه بر خویشتن زیاده روی کرده اید، از رحمت خدا مأیوس نشوید در حقیقت خدا همه گناهان را می آمرزد که او خود آمرزنده مهربان است.^۳

امام همچنان فرمود: خوب است؛ اما آنچه من می خواهم نیست. عده ای دیگر گفتند: آیه ی «وَقَالُوا كُونُوا هُودًا أَوْ نَصَارًا تَهْتَدُوا قُلْ بَلْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ» پرهیزکاران کسانی هستند که هنگامی که کار زشتی انجام می دهند یا به خود ستم می کنند، به یاد خدا می افتند؛ از گناهان خویش آمرزش می طلبند و چه کسی است، جز خدا که گناهان را بیامرزد.^۴

این بار هم امام فرمود: خوب است؛ ولی آنچه من می خواهم نیست؛ در این هنگام مردم از هر طرف به سوی امام متوجه شدند و همه هم کردند. فرمود: چه خبر است؟ ای مسلمانان! عرض کردند: به خدا سوگند! ما آیه دیگری در این زمینه سراغ نداریم. امام فرمود: از حبیب خود رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که فرمود: امید بخش ترین آیه قرآن این آیه است: «أَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفَى النَّهَارِ وَوَلِّفَا مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرَى لِلذَّاكِرِينَ»^۵؛ نماز را در قبل و بعد از ظهر و بخشی از شب به پادار که خوبی ها بدی ها را نابود می کند. این تذکری است برای آنان که اهل تذکرند.

و فرمود: ای علی! به آن خدایی که مرا به حق مبعوث کرده و بشیر و نذیرم قرار داده است، وقتی یکی از شما که برمی خیزد برای وضو گرفتن، گناهایش از جوارحش می ریزد و وقتی به روی خود و به قلب خود متوجه خدا می شود از نمازش کنار نمی رود؛ مگر آنکه از گناهایش چیزی نمی ماند و مانند روزی که متولد شده است، پاک می شود و اگر بین هر دو نماز گناهی بکند؛ نماز بعدی پاکش می کند، آن گاه نمازهای پنج گانه را شمرد؛ سپس فرمود: یا علی! جز این نیست که نمازهای پنج گانه برای امت من حکم نهر جاری را دارد که در خانه آنها واقع باشد. حال چگونه است، وضع کسی که بدنش آلودگی داشته باشد و خود را روزی پنج نوبت در آن آب بشوید؟ نمازهای پنج گانه هم به خدا سوگند! برای امت من همین حکم را دارد.^۶

۱. سوره نساء / ۴۸
۲. سوره نساء / ۱۱۰
۳. سوره زمر / ۵۳
۴. سوره آل عمران / ۱۳۵
۵. سوره هود / ۱۱۴
۶. مجمع البیان، ج ۵، ص ۳۰۶

امید بخش ترین آیه



چگونگی تحقق تربیت مهدوی

حجت الاسلام هادی عجمی

برای تحقق تربیت مهدوی باید سه مرحله را پشت سر گذاشت؛ «پرورش شناخت مهدوی»، «پرورش گرایش مهدوی» و «پرورش رفتار مهدوی».

پرورش شناخت مهدوی

زیر بنای تربیت مهدوی، شناخت است. شناخت، انگیزه و گرایش ایجاد می‌کند و در نتیجه به رفتار مهدوی ختم می‌شود. از سویی شناخت امام فی نفسه موضوعیت دارد و وظیفه‌ای است که اگر در آن کوتاهی شود، فرد، بهره‌ای از اسلام نمی‌برد و به تعبیر روایات، به مرگ جاهلی خواهد مرد. به همین دلیل سفارش شده است که پیوسته توجه به شناخت امام عصر عجل الله تعالی فرجه داشته باشیم. زراره نقل می‌کند که امام صادق علیه السلام ضمن سخنی درباره‌ی زمان غیبت فرمودند:

اگرچه آن زمان رسیدی، این دعا را بسیار بخوان: **اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ صَلَّتُ عَنْ دِينِي**. (الکافی، ج ۱، ص ۳۳۷)

اهمیت پرورش شناخت چنان است که فعالیت محوری در حکومت مهدوی، رشد عقلی و در نتیجه پرورش شناختی مردم بیان شده است. امام باقر علیه السلام در این باره فرمود:

چون قائم ما قیام کند، خداوند دست رحمتش را بر سر بندگان می‌گذارد؛ پس عقولشان را جمع می‌کند و در نتیجه خردشان کامل می‌شود. (الکافی، ج ۱، صص ۵۶ و ۵۷)

برای تقویت و پرورش شناخت مهدوی چند راهکار پیشنهاد می‌شود:

الف) برخورد با فساد اعتقادی

فساد فکری همچون علف هرزی است که جلوی رشد تربیت مهدوی را خواهد گرفت؛ لذا از مهم‌ترین اقدام‌های حضرت پس از ظهور، برخورد با فساد اعتقادی است. امام صادق علیه السلام فرمود:

«چون قائم ما قیام کند با جهلی شدیدتر از جهلی که رسول خدا صلی الله علیه و آله با آن روبرو شد، برخورد می‌کند؛ زیرا رسول خدا در حالی به سوی مردم آمد که آنان سنگ و کلوخ و چوب‌های تراشیده و مجسمه‌های چوبین را می‌پرستیدند، اما زمانی که قائم ما قیام می‌کند، مردم کتاب خدا را علیه او تأویل و بر او بدان احتجاج می‌کنند». (الغیبة للنعمانی، ص ۲۹۷)

ب) تبیین معارف مهدوی

برای تبیین معارف مهدوی، هم باید از شیوه‌های رسمی و مستقیم استفاده کرد و هم از شیوه‌های غیررسمی و غیرمستقیم. حضور در برنامه‌های معرفت‌بخش، مثل نشست‌ها و دوره‌های مهدوی برای تعلیم معارف بسیار مفید است، هم‌چنین استفاده از موعظه و سخنرانی‌های تأثیرگذار، مثل منبرهای به‌یادماندنی مرحوم کافی به پرورش شناخت مهدوی کمک خواهد کرد. شرکت مستمر در نماز جمعه نیز از جمله راهکارهای تعلیم معارف مهدوی است.

در این میان، آموزش غیرمستقیم جایگاه ویژه‌ای دارد؛ مانند استفاده از قالب‌های هنری و رسانه‌ای.

هر چه از جنبه‌های هنری جذاب‌تری بهره ببریم، جذب جوانان راحت‌تر خواهد بود. الگو گیری از زنان و مردانی که در روایات جزو یاوران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه معرفی شده‌اند نیز می‌تواند در این مسیر راهگشا باشد؛ کسانی که به رغم زندگی در محیط کفر استقامت کردند و این استقامت سبب شد که به بیان اهل بیت علیهم السلام جزو رجعت‌کنندگان و یاروان حضرت باشند.

پرورش گرایش مهدوی

در قالب اظهار محبت به حضرت

سدیر صیرفی نقل کرده که به حضور امام صادق علیه السلام رسیدیم، در حالیکه دیدیم آن حضرت روی خاک نشسته و چون مادر داغ‌دیده‌ای برای مصائب موعود منتظر می‌گردیدی گوید:

آقایم! غیبت تو خواب را از چشم ربوده و بسترم را بر من تنگ کرده و آسایش را از قلبم برده است. آقایم! غیبتت سوگواری‌ام را به فجائع ابدی پیوند زده و فقدان یکی پس از دیگری، جمع دوستانم را نابود کرده است. من دیگر اشکی را که از چشم روان است و ناله‌ای را که از مصائب و بلاهای گذشته از سینه‌ام برمی‌آید احساس نمی‌کنم، جز آنچه را که در برابر دیدگانم مجسم است و از همه‌گرفتاری‌ها بزرگ‌تر و جانگذازتر و ناآشناتر است؛ ناملایماتی که با غضب تو درآمیخته و مصائبی که با خشم تو عجين شده است.

(کمال الدین، ج ۲، صص ۳۵۲-۳۵۴)



اگر حضرت عدالت را به خانه‌ها می‌آورد، منتظر نیز در خانه باید به عدالت رفتار کند. تربیت مهدوی هنگامی حقیقی و اثرگذار است که رفتار شخص منتظر با دیگران بر پایه‌ی عدالت باشد. هر اندازه که شخص عادل‌تر باشد، به گفتمان و کردار مهدوی نزدیک‌تر است.

د) مشارطه، مراقبه و محاسبه

مؤمن باید پیوسته در حال مراقبت از رفتارهای خود باشد؛ همچون سرمایه‌داری که پیوسته سرمایه و سود خود را محاسبه و از آن‌ها مراقبت می‌کند.

امیرمؤمنان علیه السلام در این باره می‌فرمایند:

«ای بندگان خدا! پیش از آنکه سنجیده شوید، خود را بسنجید و قبل از آنکه شمارا به پای حساب ببرند، به حساب خود رسیدگی کنید». (نهج البلاغه، ص ۱۲۲)

از دیگر وظایف منتظران، پرورش روحیه‌ی محاسبه‌گری و مراقبت از رفتارهاست. اگر حالت محاسبه‌گری در انسان درونی و نهادینه شود، خواهد توانست رفتارهای ظاهری و باطنی خود را مدیریت کند. برای این کار می‌توان دفترچه‌ای تهیه کرد و هر شب به تربیت مهدوی خود در طول همان روز نمره داد. هم‌چنین می‌توان عهدهایی با امام زمان علیه السلام بست و پس از مدتی میزان پایبندی به تعهدات خود را محاسبه کرد.

بهترین زمان برای مشارطه، صبح‌گاه و هنگام قرائت دعای عهد است. بهترین راه برای مراقبه توجه به این نکته است که امام عصر علیه السلام شاهد خداوند بر اعمال ماست و بهترین راه محاسبه و آگوبه‌های شبانه با آن امام است.

اظهار علاقه‌ی امام صادق علیه السلام به امام زمان علیه السلام در مقابل یاران خویش، آن هم در زمانی که هنوز آن حضرت حتی به دنیا نیامده بود، روشی برای پرورش علاقه و گرایش آن‌ها به آن وجود نازنین است. هم‌چنین نقل شده است امام رضا علیه السلام با شنیدن نام آن حضرت برخاست و دست خود را به نشانه‌ی تواضع بر سر گذاشت. روشن است که این روش، نشان‌دهنده‌ی عظمت جایگاه حضرت مهدی علیه السلام و مصداق ابراز احترام به آن حضرت است.

از دیگر روش‌هایی که به افزایش محبت به امام زمان علیه السلام منجر می‌شود، تذکر محبت آن حضرت به مردم و شیعیان است. هم‌چنین شناخت جایگاه امام به عنوان واسطه‌ی دریافت فیض الهی نیز حس سپاس‌گزاری را در انسان تقویت می‌کند؛ چنان‌که در روایات آمده است: «به سبب وجود او دنیا باقی است و به برکت او خلاقیت روزی می‌خورند و با بودن او زمین و آسمان پابرجاست». (زاد المعاد، ص ۴۲۳) قرائت و دقت در مفاهیم زیارت جامعه‌ی کبیره، زیارت روز جمعه، زیارت آل یاسین، دعای عهد و ... بهترین راه برای آشنایی با جایگاه ولایی اهل بیت علیهم السلام است که باعث برقراری ارتباط قلبی و انس درونی با امام می‌شود. دعا کردن برای آن حضرت نیز در این زمینه راه‌گشاست؛ تا جایی که برای آن، صد فایده‌ی مهم نقل شده است. (مکیال المکارم، ج ۱، صص ۶۲۶-۶۴۹) صدقه دادن برای سلامتی امام عصر علیه السلام، نکوداشت روزهای منسوب به آن حضرت و علاقه و اشتیاق به دیدار آن امام نیز از ویژگی‌های بارز منتظران و مهدی‌یاوران است.

پرورش رفتار مهدوی

عمل کردن به مواردی که در ادامه خواهد آمد، در تقویت رفتار مهدوی مؤثر است:

الف) توجه به تکالیف الهی

اهمیت دادن به وظایف شرعی هم‌چون نماز، امر به معروف و یا پرداخت خمس و زکات از جمله مهم‌ترین خصایص سبک زندگی مهدوی است. امام زمان علیه السلام در اهمیت نماز فرمودند: «هیچ چیز مثل نماز بینی شیطان را به خاک نمی‌مالد و او را خوار نمی‌کند، پس نماز بخوان و بینی شیطان را به خاک بمال» (بحار الأنوار، ج ۸۰، ص ۱۴۶)

هم‌چنین در روایات آمده است: «قائم ما اموال را مساوی و به عدالت در میان مخلوقات خدای رحمان تقسیم خواهد کرد و به هر کدام از نیکوکاران و بدکاران سهمی عادلانه خواهد داد». (بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۵۱) بنابراین کسانی که در دوران غیبت به پرداخت خمس و زکات اموال خود اهتمام ندارند، از رفتار مهدوی و ولایت‌مداری اقتصادی محروم‌اند.

ب) توجه به حقوق و حوائج دیگران

دلسوز بودن برای برادران دینی و اهتمام به رفع گرفتاری از آنان، از جمله ویژگی‌های تربیت مهدوی است؛ چنان‌که اسحاق بن عمار از امام صادق علیه السلام نقل کرده است: «زمانی که قائم ما ظهور کند بر مؤمنین واجب است که نیاز برادرانشان را برطرف کنند و در شادی آن‌ها بکوشند» (وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۲۷) کسی که نتواند رفتار و زبان خود را مدیریت کند و خانواده و نزدیکان از او آزار ببینند، نمی‌تواند داعیه‌ی مهدی‌یابری داشته باشد. کسی که حق مردم را بر گردن دارد، زمینه‌ی حضور در حکومت حضرت را ندارد. درحقیقت رعایت حقوق دیگران، اصلی مهم در تربیت مهدوی است.

ج) تقویت قوای جسمی و روحی

امام سجاد علیه السلام فرمود: «چون قائم ماقیام کند، خداوند بیماری و اندوه را از شیعیان برمی‌دارد، دل‌های آنان را همچون آهن استوار می‌سازد و نیروی هر مرد از ایشان را برابر چهل مرد قرار می‌دهد. آنان خُکام و برگزیدگان زمین خواهند بود». (روضه الواعظین، ج ۲، ص ۲۹۵)

بر پایه‌ی این روایت، از جمله اقدامات زمینه‌ساز تربیت مهدوی، توجه به تقویت قوای جسمانی است؛ زیرا کسانی که دچار ضعف جسمانی می‌شوند، در انجام وظایف منتظرانه و مهدی‌یاورانه‌ی خود توان کمتری خواهند داشت. علاوه بر این، تقویت بنیان‌های اخلاقی و قوای روحانی نیز در تربیت مهدوی افراد مؤثر است. چنان‌که در روایات به اهتمام آن حضرت در زدودن رذائل اخلاقی از پیروانشان اشاره شده است: «زمانی که قائم ما اهل بیت علیهم السلام قیام کند، بخل و ترس را از قلوب شیعیان بیرون می‌کند» (شرح الأخبار فی فضائل الأمة الأطهار علیهم السلام، ج ۳، ص ۲۵۷)

التزام به عدالت نیز از جمله ویژگی‌های تربیت مهدوی است؛ چراکه بارزترین خصوصیت حکومت مهدوی، عدالت است.

نظریه «امانت»

نگاه امام خمینی علیه السلام به حکومت به عنوان امانتی بود که باید به صاحب اصلی آن تحویل داد و در راستای حفظ و تقویت آن کوشش کرد. فراوانی تعابیر ایشان در این مقوله، بسیار جالب توجه است. تعبیر امام از انقلاب اسلامی به عنوان امانتی که صاحب آن، حضرت حجت علیه السلام است، از این نکته حکایت دارد که ایشان، پرچم قیام ۱۵ خرداد را در فضای مهدویت و ظهور برافراشته اند، نه در مقابل آن. بی شک، منظور امام راحل از طرح امانت و صاحب امانت در مورد جمهوری اسلامی ایران، تبلیغ یا نمایش و تعارف سیاسی نبوده، بلکه ایشان قصد داشتند تا بدین وسیله، افق، راهبردها، برنامه ریزی ها و راهکارهای دینی سیاسی این نظام و نیز میزان هم خوانی آن ها را با دولت کریمه مهدوی بیان کنند.

اکنون به برخی از سخنان ایشان می پردازیم که با صراحت به این مورد اشاره دارند:

- امیدوارم که ان شاء الله این روحیه اسلامی و توحیدی باقی باشد، این کشور را ما به صاحب اصلی او، امام زمان علیه السلام تحویل بدهیم و ملت را تسلیم ایشان بکنیم. (رک: صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۱۱۸) - من امیدوارم که خدای تبارک و تعالی به ما توفیق بدهد که ما بتوانیم به این مقصدی که مقصد انبیاست، برسیم و ما ان شاء الله با هم باشیم و این قافله را با هم به منزل برسانیم و این امانت را به صاحب امانت رد کنیم. (همان، ج ۱۹، ص ۲۰۹)

سخنان صریح امام خمینی در باره قرار داشتن انقلاب اسلامی در راستای ظهور به این معناست که انقلاب اسلامی، زمینه ساز آگاهی و خیزش عموم مردم و مسلمانان کل عالم در جهت حرکت به سمت تحقق جامعه ظهور است. تأکید ایشان بر این که انقلاب اسلامی، انقلابی جهانی است و به کشور ایران منحصر نیست و ندای همه مظلومان عالم است و صدور انقلاب، یکی از اولویت های پیش روی انقلاب اسلامی است، بیان گر نوع نگاه امام به حکومت جهانی عدل؛ یعنی همان حکومت حضرت حجت علیه السلام است. حتی ایشان به مسئولان جمهوری اسلامی تذکر می دهند که مبادا، رسیدگی به مسائل اقتصادی و رفاهی مردم، آنان را از هدف عالی انقلاب در این راستا باز دارد: مسائل اقتصادی و مادی اگر لحظه ای مسئولین را از وظیفه ای که بر عهده دارند منصرف کند، خطری بزرگ و خیانتی سهمگین را به دنبال دارد. باید دولت جمهوری اسلامی تمامی سعی و توان خود را در اداره هر چه بهتر مردم بنماید، ولی این بدان معنا نیست که آنها را از اهداف عظیم انقلاب که ایجاد حکومت جهانی اسلام است منصرف کند. مردم عزیز ایران که حقاََ چهره منور تاریخ بزرگ اسلام در زمان معاصرند، باید سعی کنند که سختیها را برای خدا پذیرا گردند تا مسئولان بالای کشور به وظیفه اساسی که نشر اسلام در جهان است برسند. (همان، ج ۲۱، ص ۳۲۷)

گزاره های راهبردی نظریه «امانت»

الف) امام زمان علیه السلام، صاحب اصلی انقلاب (قدرت سیاسی و نظریه امانت)

حضرت امام علیه السلام، حضرت حجت را رهبر و صاحب اصلی این انقلاب معرفی می کنند. امام خمینی علیه السلام با این دیدگاه، راه آینده جمهوری اسلامی را روشن می سازد که همان وابستگی به بعثت و ولایت انسان کامل است. رهبر فقید انقلاب اسلامی در این باره، به مسئولان نظام هشدار می دهد که مبادا در نظام جمهوری اسلامی، خدشه ای در احکام اسلامی وارد شود؛ زیرا در آن صورت، چنین نظامی، مقبول حضرت ولی عصر علیه السلام نخواهد بود. (آن ها استقلال می خواهند، آزادی می خواهند، جمهوری اسلامی می خواهند؛ جمهوری ای که باید اساسش بر احکام اسلامی باشد. جمهوری اسلامی باشد که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امام زمان علیه السلام بپذیرد. اگر یک خدشه در احکام اسلام واقع بشود، نه پیغمبر می پذیرد و نه امامان ما). (همان، ج ۱۶، ص ۲۷۹)

همچنین می فرمایند: در آن [مبارزه با ظالمین و...] سستی نشود تا وقتی که ان شاء الله علم را به دست صاحب علم بدهند. (همان، ج ۲۱، ص ۴)

ب) تأسیس جمهوری اسلامی به مثابه

مقدمه و نه هدف

(شأن ابزاری نظام سیاسی در نظریه امانت)

امام، انقلاب ایران را مقدمه ای برای حکومت اهل بیت علیهم السلام می داند و از آن به عنوان نقطه آغاز تعبیر می کند. در این زمینه به سخنان ایشان می نگریم:

امیدواریم که این انقلاب یک انقلاب جهانی بشود، و مقدمه برای ظهور حضرت بقیة الله - ارواحنا له الفداء - باشد. (همان ج ۱۶، ص ۱۳۱)

- ان شاء الله، اسلام را به آن طور که هست، در این مملکت پیاده کنیم و... و دنیا، دنیای اسلام باشد، و زور و ظلم و جور از دنیا برطرف بشود و [این] مقدمه باشد برای ظهور ولی عصر - ارواحنا فداء (همان، ج ۱۵، ص ۲۶۲)

- امید است که این انقلاب جرعه و بارقه ای الهی باشد که انفجاری عظیم در توده های زیر ستم ایجاد نماید و به طلوع فجر انقلاب مبارک حضرت بقیة الله - ارواحنا لمقدمه الفداء - منتهی شود. (همان، ج ۱۵، ص ۶۲) - ...

ج) هدف و افق انقلاب اسلامی،

تشکیل حکومت اسلامی به رهبری امام

زمان علیه السلام

(نظریه امانت و بین الملل گرایی اسلامی)

استراتژی معمار کبیر انقلاب اسلامی، ساختن و بنای آینده است و این از اساسی ترین موضوعات اسلام ناب به شمار می آید. نگاه غایت گرایانه حضرت امام به انقلاب اسلامی، بیان گر این نکته است که این انقلاب تنها زمانی می تواند به غایت نهایی خویش، یعنی تشکیل حکومت اسلامی به امامت حضرت ولی عصر علیه السلام دست یابد که پیوسته در راستای زمینه سازی استقرار این حکومت در عالم تلاش کند.



جنگیدن برای آبروی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف

شهید علی چیت سازیان

در محاسبات علی آقا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف جای خاصی داشت.

آماده عملیاتی در رأس البیضاء بودیم. مصادف بود با تولد صدام و عدنان خیر الله (وزیر جنگ حکومت صدام) گفته بود: «به چادر زنان بغداد قسم! تا ۴۸ ساعت آینده فاو را از ایرانی ها پس می گیریم». آن شب علی آقا سخنرانی حماسی ایراد کرد و در ضمن سخنرانی گفت: «عدنان خیر الله می خواهد برای صدام خوش رقصی کند، اما شما برای آبروی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف می جنگید». با آن سخنرانی شور و شوق عجیبی بچه ها را فرا گرفت و خط کارخانه نمک، کنج جاده فاو بصره شکسته شد. اسم عملیات هم شد عملیات «صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشريف»

راوی: علی رضایابی مفرد؛ هم رزم

توسل به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف

شهید محمد رضاتورجی زاده

در عملیات والفجر ۲ همه مهمات خود را گم کرده بودیم. مهم تر از آن راه را هم گم کرده بودیم. دست مان از همه اسباب ظاهری قطع بود، رو به بچه ها گفتم: «بچه ها! فقط یک راه وجود دارد. ما یک امام غایب داریم که در سخت ترین شرایط به دامن ما می رسد. هر کسی در یک سمتی رو به دل بیابان حرکت کند و فریاد «یا صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشريف» سر دهد. مطمئن باشید یا خود آقا تشریف می آورد و یا یکی از یاران شان به دامن خواهد رسید».

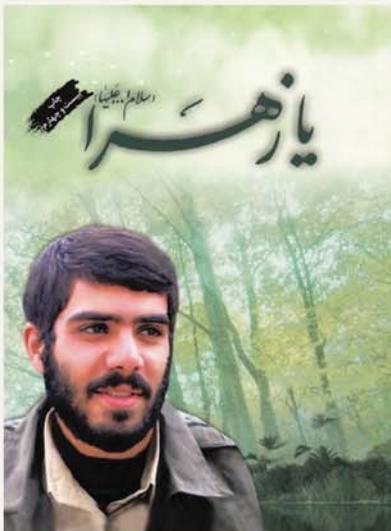
همه در دل بیابان با حضرت مأنوس شده بودیم. دیدم چند نفر با لباس پلنگی به سمت ما می آیند. پشت درختان و صخره ها قایم شدیم. وقتی جلوتر آمدند، شناختم شان. برادر نوذری از فرماندهان گردان یازدهم بودند. خطاب به بچه ها گفتم: دیدید امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف ما را تنها نگذاشت.

محمد رضا تازه به گردان ما آمده بود. شده بود بی سیم چی خودم. گذاشتمش مسئول دسته. بعد از چند روز که کارش را دیدم، گفتم محمد باید معاون گروهان شوی. زیر بار نمی رفت. گفت: به شرطی قبول می کنم که سه شنبه ها تا عصر چهارشنبه کاری به کارم نداشته باشی. قبول کردم. بعد از مدتی می خواستم فرمانده گروهانم کنم. واسطه آورد که زیر بار نرود؛ اما قبول نکردم. آخرش گفت با همان شرط قبلی. پا پیچش شدم که باید بگویی کجا می روی؟ گفت: تا زنده ام به کسی نگو. می روم زیارت مسجد جمکران. ۹۰۰ کیلومتر را هر هفته از دارخوین تا جمکران، عاشقانه طی می کرد.

یک بار همراهش رفتم. نیمه شب دیدم سرش را به شیشه گذاشته و مشغول نافله است. در مسیر برگشت می گفت: یک بار برای رسیدن به جمکران ۱۴ ماشین عوض کردم تا به جمکران رسیدم. تا رسیدم نماز را خواندم و سریع برگشتم.

راوی: سردار علی مسجدیان؛ فرمانده وقت گردان امام حسن عجل الله تعالی فرجه الشريف

منابع.....



هدایت و تبلیغ

در گفتار و رفتار امام صادق علیه السلام

آموزه های الهی گویای این است که یگانه رسالت انبیاء الهی و جانشینان آنها هدایت مردم به سوی پروردگار است. خداوند متعال به پیامبرش فرمود: «وما ارسلناک الا مبشرا و نذیرا»؛ (اسراء، ۱۰۵) «و ما تورا نفرستادیم مگر به عنوان بشارت دهنده و انذار کننده...»
و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

«خدا جانشینان مرا رحمت کند. سؤال کردند: یا رسول الله! جانشینان شما کیستند؟ فرمود: کسانی که روش مرا احیا می کنند و به بندگان خدا یاد می دهند...» (الحیاء، ج ۲، ص ۲۸۱)

امام صادق علیه السلام که خود به دلیل مقام امامت دارای شان هدایتگری است، همین شان را برای عالمان دینی نیز قائل است و می فرماید: «کسی که احادیث ما را روایت و دلایلی شیعیان ما را به وسیله آن محکم کند، از هزار عابد بهتر است...» (اصول کافی، ج ۱، ص ۳۳). ناگفته نماند که شیوه های امام صادق علیه السلام در هدایت و تبشیر و ارشاد و دعوت و... که در راستای وظائف و شان امامت انجام می شد، تأثیرات عمیقی در جامعه آن روز برجای گذاشت. به گونه ای که علی رغم فراهم نبودن امکان برای اقدامات نظامی و براندازی علنی، همین دست فعالیت های تبلیغی و هدایتی حضرت، خلفای وقت را به شدت هراسان ساخته و ارکان حکومت آنان را لرزان کرده بود. از این روست که در مقابل اقدامات این امام هدایت، خلیفه وقت (منصور) می گوید: «کار جعفر بن محمد اگرچه با شمشیر قیام نمی کند، اما برایم سخت تر و مهم تر است از قیام عبدالله بن الحسن. من این را از او و پدران او در زمان بنی امیه می دانم...» (بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۱۹۹).

شیوه های هدایتگری امام صادق علیه السلام

استفاده از تشکیلات و انسجام و تربیت و تخصص

امام صادق علیه السلام مؤمنان را به انسجام و تبلیغ گروهی تشویق می کرد. آن حضرت می فرمودند:

«خدا رحمت کند بنده ای را که با دیگری همراه شود تا امر ما را یادآوری (تبلیغ) کنند» (بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۰۰)
آن حضرت با سازماندهی فکری مکتب، تربیت شاگردان و متخصص کردن آنها در رشته های خاص، معرفی خط مشی تشیع، ایجاد تشکلهای با هویت شیعی و... این انسجام را عمق بخشید.

ذکر آثار و نتایج

روش دیگری که امام صادق علیه السلام در مسیر هدایت استفاده می کند، ذکر آثار و نتایج مثبت و منفی کارها و نعمت ها و... است. در سیره و سخن امام صادق علیه السلام چنین روشی به روشنی دیده می شود. از جمله، در وصیتش به ابن جندب می فرماید:

«ای پسر جندب! اگر شیعیان ما استقامت کنند، ملائکه با آنان مصافحه می کنند و ابرها بر آنان سایه می اندازند و همانند روز روشن می درخشند و از بالا و پایین روزی می خورند و چیزی از خدا نمی خواهند، مگر اینکه به آنها عطا می کند...» (تحف العقول، ص ۳۰۲، وصیت ابی عبدالله علیه السلام به ابن جندب)
و نمونه های بسیار دیگر...

تحریک عواطف انسانی

داستانی زیبا از امام صادق علیه السلام را بشنویم که در آن حضرت از روش تحریک عواطف سود برده است:



«شقرانی فردی شراب خوار بود و نمی توانست به دلالی از دربار منصور دوانیقی سهم و حقوق خود را بگیرد؛ اما امام که برای کاری نزد منصور رفت، سهم او را نیز گرفت و به وی داد و هنگام دادن حقوقش بالحنی ملاطفت آمیز به او فرمود: «کار خوب از هر کسی خوب است، ولی از تو بهتر و کار بد از هر کسی بد است، ولی از تو به خاطر انتساب به ما زشت تر.» بعد از آنکه امام از نزد شقرانی رفت، او شدیداً متأثر شد و خود را ملامت کرد.

(بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۳۴۹)

در موضعی دیگر امام صادق علیه السلام سعی کرد با نشان دادن عمق نفرت خود از همکاری با بنی عباس، یکی از شیعیان را از همکاری با آنان باز دارد؛ لذا فرمود:

«من دوست ندارم برای آنها (بنی عباس) گرهی بزنم، یا در مشکي را ببندم. هرچند در برابر آن ثروت زیادی به دستم برسد، نه حتی دوست ندارم قلمی برای آنها بر صفحه ای بکشم. همانا کمک کنندگان به ستمگران در روز قیامت در سراپرده ای از آتش قرار داده می شوند تا خداوند بین بندگان حکم کند...»

(وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۲۹)

بیدار سازی وجدان ها

آموزه های الهی نشان می دهد که انسان هرچند ممکن است در ظاهر حقایق را فراموش کند، اما از درون هرگز دچار فراموشی حقایق نمی شود و با مخاطب قرار دادن درون و فطرت او می توان او را نجات داد و به خود آورد. خداوند می فرماید: اگر از آنها بپرسی چه کسی آسمانها و زمین را خلق کرد و خورشید و ماه را به تسخیر درآورد، به یقین می گویند خدا» (عنکبوت/۶۷) و نیز اگر بپرسی چه کسی از آسمان آب می فرستد که زمین را بعد از مرگش زنده کند، به یقین می گویند خدا. (همان/۶۳)

این روش را در سیره امام صادق علیه السلام هم می بینیم؛ روشی که در آن، امام از مخاطبش می خواهد خود را در موقعیت فرض شده ببیند و ببیند فطرتش چه می جوید و چه می خواهد.

مردی به خدمت امام صادق علیه السلام آمد و گفت: ای زاده رسول خدا! مرا با خدا آشنا کن. خدا چیست؟ امام فرمود: «ای بنده خدا! آیا تا به حال سوار کشتی شده ای؟ گفت: آری. فرمود: آیا شده که کشتی بشکند و کشتی دیگری برای نجات تو نباشد و امکان نجات با شننا را هم نداشته باشی؟ گفت: آری. فرمود: آیا در چنین حالتی به چیزی که بتواند از آن گرفتاری نجات دهد، دلبسته بودی؟ گفت: آری. فرمود: آن چیز همان خداست که قادر بر نجات است؛ آنجا که نجات دهنده ای نیست. او فریاد رس است؛ آنجا که فریادرسی نیست.» (بحارالانوار، ج ۳، ص ۴۱)

ارائه الگو و نمونه

قرآن کریم دوبار ابراهیم علیه السلام را به عنوان الگو معرفی می کند و همچنین درباره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «رسول خدا برای شما الگوی نیکویی است.» (احزاب/۲۱) و... این همه برای آن است که مخاطبان کلام الهی بتوانند الگویی درک کردنی از انسان مطلوب الهی را بشناسند و بفهمند که آنچه خدا می خواهد، در عالم واقع و خارج چگونه باید باشد. امام صادق علیه السلام، قرآن کریم، رسول خدا صلی الله علیه و آله، امام علی علیه السلام و شیعیان واقعی را به عنوان الگو معرفی می کند. مثلاً می فرماید: «بر شما باد قرآن! هر آیه ای را یافتید که گذشتگان با [عمل به] آن آیه نجات یافتند، شما هم به آن عمل کنید و هر آیه را دیدید که بیانگر هلاکت پیشینیان است، شما هم از آن بپرهیزید.» (الحیاه، ج ۲، ص ۱۱۶).

درباره الگو معرفی کردن پیامبر صلی الله علیه و آله از زبان امام صادق علیه السلام هم به روایت ابا هارون توجه می کنیم. وی می گوید: «به حضور امام شرفیاب شدم. فرمود: ای ابا هارون! چند روزی است تو را ندیده ام. گفتم: خداوند پسری به من عطا کرد. حضرت فرمود: خدا او را برای تو مبارک گرداند. چه نام نهادی؟ گفتم: محمد. امام صورت مبارکش را (به نشانه احترام) به زمین خم کرد تا جایی که نزدیک بود به زمین بخورد و زیر لب فرمود: محمد، محمد، محمد، محمد. جان خودم، فرزندانم، پدرم و جمیع اهل زمین فدای رسول خدا باد! او را دشنام مده، کتک مزن، بدی به او نرسان! بدان در روی زمین خانه ای نیست که در آن نام محمد وجود داشته باشد، مگر اینکه آن خانه در تمام ایام مبارک خواهد بود.» (بحارالانوار، ج ۱۷، ص ۳۰)

تشبیه و تمثیل و محسوس کردن معقول

از کاراترین روشهای هدایت، سود بردن از تشبیه و تمثیل است؛ زیرا مردم امور محسوس را با حواس ظاهری خود به راحتی درک می کنند، به خلاف مسائل عقلی که نیاز به زحمت فکری و درک عقلی دارند. از این روی، خداوند متعال در آیات متعددی از مثل استفاده می کند و می فرماید:

«و خدا برای مردم مثالها می زند. امید است که متذکر شوند.» (ابراهیم/۲۵) امام صادق علیه السلام به طور متعدد از این روش استفاده کرده است. هشام بن حکم می گوید: ابوشاکر دیصانی گفت: در قرآن آیه ای هست که دیدگاه ما را تقویت می کند؛ آیه ای که می گوید: «اوست که در آسمان خداست و در زمین خداست.» (زخرف/۸۴)، من پاسخش را ندانستم تا آنکه به حج رفتم و امام صادق علیه السلام را از آن آگاه ساختم. فرمود: «این سخن زندیقی خبیث است. هرگاه به سوی او برگشتی، بگو: نام تو در کوفه چیست؟ می گوید: فلان، بگو: نامت در بصره چیست؟ می گوید: فلان. تو بگو: پروردگار ما نیز به این گونه هم در آسمان اله.» نامیده می شود و هم در زمین و هم در دریا.» (بحارالانوار، ج ۳، ص ۳۳۳)

برهان، جدل، مناظره

قرآن کریم آکنده از برهان و استدلال و... است و چنین می فرماید: «بگو برهانان را بیاورید.» (بقره/۱۱۷)

«با حکمت و پند نیکو به سوی پروردگارت دعوت کن.» (نحل/۱۲۵)

«با چیزی که بهتر است با آنان مجادله کن.» (همان)

امام صادق علیه السلام علاوه بر آنچه از مناظرات و... گذشت، در مورد جدال احسن نیز می فرمود: «مجادله احسن، مانند مطلبی است که در آخر سوره یس در مورد منکران معاد آمده است. هنگامی که استخوان پوسیده را در مقابل پیامبر صلی الله علیه و آله قرار دادند و گفتند: چه کسی قدرت دارد آن را زنده کند؟ فرمود: «کسی که اولین بار زنده اش کرد، زنده اش

می کند.» (تفسیر نمونه، ج ۱۶، ص ۳۰۰)

امام صادق علیه السلام مناظرات علمی فراوانی انجام می داد، در عین حال از مناظرات غیراصولی پرهیز داشت؛ لذا طیار، یکی از دوستان امام صادق علیه السلام به حضرت گفت:

خبردار شده ام که از مناظره با مخالفان ناخشنودید! فرمود: اما کسی که مثل تو باشد، اشکالی ندارد؛ کسانی که وقتی پرواز می کنند و اوج می گیرند، به خوبی می توانند بنشینند و هنگامی که می نشینند، به خوبی می توانند پرواز کنند و اوج گیرند. کسی که چنین باشد ما از مناظره کردن با او ناخشنود نیستیم.»

(همان، ج ۱۲، ص ۱۶ تا ۲۰)

کرامات الجعفرية
نور کلام زمانه کبر صبح مهرانش نور





نظریه امانت امام خمینی رحمته علیہ و چشم انداز انقلاب اسلامی در پرتو اندیشه مهدویت

اصغر افتخاری، محمد نوروزی، محمد مهدی ذوالفقار زاده

حجم بزرگی از پژوهش‌ها و تحلیل‌ها درباره انقلاب اسلامی ایران وجود دارد، به گونه‌ای که اندیشمندان خارجی و داخلی در مدتی نسبتاً محدود، به کم‌تر انقلابی این گونه توجه کرده‌اند. با این که قرن بیستم را می‌توان قرن انقلاب‌های بزرگ نامید، ولی گویا انقلاب اسلامی ایران به دلیل شرایط خاص و ویژگی‌های منحصر به فردش، بیش‌تر از دیگر انقلاب‌ها توجه شده است.

باید دانست انقلاب‌ها زمانی رخ می‌دهند که مردم، به عبارت دیگر، توده‌ها مسیر جریان‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی جامعه را بر خلاف دیدگاه‌ها، باورها، ارزش‌های خود می‌یابند. این پرسش مطرح می‌شود که آیا تنها توجه به کاستی‌های قدرت حاکم، برای تحلیل انگیزه‌های انقلاب‌ها کافی است یا باید نگاهی فراتر و کلان‌تر به یک انقلاب داشت؟ آیا تنها هدف بنیان‌گذاران و نخبگان هر انقلاب، رفع کاستی‌هاست و با برطرف کردن آن، آرمان انقلاب‌ها تحقق می‌یابد؟ برای مثال، اگر نابرابری اقتصادی در جامعه، حاکم باشد و یکی از انگیزه‌های اصلی توده‌ها، حرکت برای ایجاد برابری اقتصادی و رفاهی باشد، آیا با تحقق این امر، آرمان آن انقلاب تمام شده است؟ پرسش دیگر این است که آیا عامل اصلی وقوع انقلاب، کاستی‌ها و اقدامات حکومت پیشین بوده یا نقش ارزش‌ها، باورها و عقاید بنیادین آن ملت، در این امر پررنگ‌تر است؟

به نظر می‌آید، که انقلاب اسلامی ایران به سبب بنیان‌های تاریخی و دینی خویش و رهبری حضرت امام خمینی رحمته علیہ دارای رسالتی تاریخی و تمدنی است که با تحلیل‌های ظاهری و تنها با توجه به کاستی‌ها و ضعف‌های حکومت‌های پیشین نمی‌توان به عمق این حرکت پی برد. هرچند در بسیاری از موارد، فعالیت‌های ضددینی و مشکلات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی حکومت پهلوی، تسریع‌کننده فعالیت‌های مبارزان انقلابی و افزایش انگیزه ایشان در جهت نابودی هرچه سریع‌تر این حکومت طاغوتی بود، ولی توجه به آرای بنیان‌گذار انقلاب اسلامی که جامعیت فکری و نگاهی الهی داشتند، می‌تواند نتایجی دقیق‌تر و مهم‌تری از این امر ارائه کند.

عواملی که به عنوان انگیزه‌های پیدایش انقلاب اسلامی از دیدگاه امام خمینی رحمته علیہ و با استناد به سخنان صریح ایشان ذکر شده، توصیفات ایشان از وضعیت پیش از انقلاب و مشکلات و ضعف‌های رژیم طاغوت است. به عبارت دیگر، با این بیان که نوعی بیان سلبی است، ایشان برخی ویژگی‌های یک جامعه آرمانی را شمرده‌اند که از این گونه ضعف‌ها و مشکلات تهی بوده و زمینه‌ساز حیات طیبه انسان‌ها باشد. بنابراین، طبیعی است که رفع این موانع را نمی‌توان تنها هدف غایی و چشم‌انداز متعالی انقلاب اسلامی در نظر گرفت؛ چون تا جای‌گزینی‌ایجابی در این زمینه مطرح نشود، سخن گفتن از غایت و چشم‌انداز، بی‌معنی است. به همین دلیل، با محور قرار دادن سخنان امام رحمته علیہ، حاکمیت اسلام به عنوان علت و انگیزه اصلی انقلاب اسلامی و بارنگ و بوی‌ایجابی مطرح می‌شود. پرسش این‌جاست که جان‌مایه و هدف غایی از حاکمیت اسلام چیست؟ به دیگر سخن، مقصد ما پس از حاکمیت اسلام چیست؟ هدف امام از مطرح کردن حاکمیت اسلام ناب محمدی (به عنوان مهم‌ترین انگیزه انقلاب چه بود؟ پاسخ به این پرسش‌ها می‌تواند ما را به سمت چشم‌انداز انقلاب اسلامی ایران رهنمون سازد.

نظریه امام رحمته علیہ نسبت به چشم‌انداز انقلاب اسلامی

در ادامه، ضمن تحلیل دیدگاه‌ها و سخنان امام خمینی، پیش و پس از انقلاب، به ترسیم چشم‌انداز انقلاب اسلامی از دیدگاه ایشان می‌پردازیم. پرداختن به سخنان ایشان پیش از پیروزی انقلاب اسلامی به این دلیل ضرورت دارد که به نظر عده‌ای از افراد، امام، پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، افق خاصی برای آن در نظر نداشته و پس از پیروزی انقلاب، به بیان چشم‌انداز انقلاب اسلامی پرداخته‌اند.

دوره قبل از پیروزی انقلاب اسلامی؛

محوریت نظریه ولایت فقیه

با کاوشی در دیدگاه‌های امام خمینی رحمته علیہ، پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، به این نکته اساسی می‌توان دست یافت که حرکت ایشان بر مبنای یک تفکر ناب و بر اساس یکی از مهم‌ترین اصول دین مبین اسلام بوده است.

حرکت ایشان در راستای تحقق انقلاب اسلامی بر مبنای نظریه «ولایت فقیه» به عنوان نظریه حکومتی اسلام در عصر غیبت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه شکل گرفت. امام این نظریه را در سال ۱۳۳۳ در کتاب کشف‌الاسرار مطرح کردند. این نظریه که از متن آیات و روایات برخاسته است. در نظریه امام خمینی رحمته علیہ، ولایت فقیه از یک سو، تضمین‌کننده اسلامی بودن نظام است و مانع انحراف آن از معیارهای اسلامی می‌شود و از سوی دیگر، تقوای فقیه و تقید او به احکام اسلامی، از پیدایش استبداد و دیکتاتوری جلوگیری می‌کند. همان‌گونه که اشاره شد، دیدگاه امام نسبت به انقلاب اسلامی بر مبنای نظریه ولایت فقیه، یکی از حرکت‌های لازم برای تحقق حکومت موعود عجل الله تعالی فرجه بوده و حرکت ایشان در راستای زمینه‌سازی قیام جهانی آن حضرت صورت گرفته است. پس افقی که ایشان قبل از پیروزی انقلاب اسلامی برای این حرکت عظیم ترسیم می‌کنند، اتصال این انقلاب به انقلاب جهانی امام عصر عجل الله تعالی فرجه و گسترش حکومت حق در سراسر جهان است.

دوره پس از پیروزی انقلاب اسلامی؛

محوریت گفتمان مهدویت

امام پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ضمن اشاره به دلایل قیام و هدف از انقلاب اسلامی، از نابسامانی‌ها، کاستی‌ها و مشکلات حکومت‌های گذشته به ویژه حکومت پهلوی یاد می‌کردند. همان‌گونه که پیش از این ذکر شد، گاه پژوهشگران و تحلیل‌گران، این موارد را انگیزه‌های اصلی قیام ذکر کرده‌اند. مبارزه با فساد اخلاقی، اقتصادی، نابسامانی‌ها و بی‌عدالتی‌ها حکایت می‌کنند، با این بیان که هدف انقلاب اسلامی، زمینه‌سازی برای ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه است. تناقضی ندارد.

همه آقایان بنای بر این بگذارند که کارهایشان را روی وظیفه شان عمل بکنند. خودشان را ببینند در یک جمهوری اسلامی؛ ببینند در یک مملکتی هستند که رأس این مملکت امام زمان - سلام الله علیه - مراقبشان هست؛ مأمورهای مخفی دارد؛ ملائکه الله مأمورند، خودش را تحت مراقبت ببیند، بگوید که ما یک مملکتی الان هستیم که یک مراقبی داریم معصوم. (همان، ج ۹، ص ۱۷)

در مجموع نگاه حضرت امام علیه السلام به انقلاب اسلامی به عنوان امانت الهی که وظیفه همگان، حرکت در جهت تحویل این امانت به صاحب اصلی آن امام عصر علیه السلام است، یکی از نکات اساسی است که باید به آن توجه کرد. همان طور که گذشت، سخنان امام خمینی علیه السلام درباره آینده انقلاب اسلامی، به طور شفاف، صریح و روشن از یک «باید» حکایت دارد و آن این است که آینده این انقلاب باید به ظهور امام زمان علیه السلام منتهی شود. از این رو، هر هدف و چشم انداز بلندی که برای انقلاب اسلامی ایران ترسیم می شود، باید به همین صراحت از این هدف والا سخن گوید. در غیر این صورت، نمی توان برای آن سند، روح و جان در نظر گرفت؛ چون طبق سخنان دقیق، روشن و صریح ایشان، روح اصلی این انقلاب در زمینه سازی برای برپایی ظهور و حکومت جهانی حضرت ولی عصر علیه السلام ریشه دارد.

” ما اگر چنان چه اتکا به خدای تبارک و تعالی و توجه به استمداد از ولی عصر علیه السلام ان شاء الله، [داشته] باشیم و کارهایمان را با این انگیزه پیش ببریم، ان شاء الله که آسیمی نخواهیم دید.“

امام علیه السلام، ۲۰ آذرماه ۱۳۶۰



مهم ترین و اساسی ترین موضوع در اسلام ناب، ارائه دوربرد این موضوع یا به تعبیر دیگر، ارائه «هدف» در اسلام ناب است. امام راحل که خود، مروج اسلام ناب و مشتاق زمینه سازی برای ظهور است، همیشه افق اسلام ناب را در زمینه سازی حکومت بزرگ اسلامی و اتصال به ظهور می دانستند و طرح این امر مهم را وظیفه حوزه های علمیه، دانشگاه و نهاد مقدس بسیج برمی شمردند. تکرار این دغدغه در سخنان امام در طول سال های پس از پیروزی انقلاب به مناسبت های مختلف، از اهمیت این مقوله و رویکرد ثابت ایشان به این موضوع حکایت دارد از جمله: حوزه علمیه و دانشگاه باید چهارچوبهای اصیل اسلام ناب محمدی را در اختیار تمامی اعضای بسیج قرار دهند. باید بسیجیان جهان اسلام در فکر ایجاد حکومت بزرگ اسلامی باشند و این شدنی است. (همان، ج ۲۱، ص ۱۹۵)

-انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است، و ما باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا بکند، و مقدمات ظهور آن شاه الله تهیه بشود. (همان، ج ۸، ص ۲۷۴)

الزامات عملی نظریه «امانت»

از نظر امام علیه السلام، مسیر حرکت و تلاش مردم و تمام مسئولان باید در جهت تحقق امر ظهور و تحویل امانت به صاحب اصلی آن باشد. برخی الزاماتی را که در اندیشه ایشان در این زمینه مطرح شده است، می توان این گونه بیان کرد:

الف) زمینه سازی ظهور (نظریه امانت و غایت سیاسی)

امام خمینی علیه السلام در یکی از سخنرانی های خویش به پنج دسته از برداشت های نادرست و انحرافی به طور خلاصه، از انتظار اشاره می کنند (گروه نخست، کسانی اند که خود را سرگرم دعای فرج کرده اند و اندیشه اقدامی را در سر نمی پرورانند. گروه دوم، بی اعتنائی به جامعه و جهان را پیشه خود قرار داده اند. آن ها جز توسل و دعا، تکلیفی برای خود نمی شناسند و اصلاح امور را به حضرت واگذار کرده اند. گروه سوم بر این باورند که نباید امر به معروف و نهی از منکر کرد و باید دنیا از گناه آکنده شود تا آن حضرت زودتر ظهور کند. گروه چهارم می گویند که باید بستر گناه را هموار ساخت تا دنیا پر از ظلم و جور شود و حضرت تشریف بیاورد. گروه پنجم مدعی اند که تشکیل حکومت در عصر غیبت مهدی علیه السلام، باطل و بر خلاف اسلام است.) و بیان می دارند که وظیفه ما زمینه سازی ظهور است و عده ای هر چند خیراندیش به دلیل درک نادرست مقوله انتظار، به خطا رفته اند.

ایشان در همین زمینه فرموده است: ما همه انتظار فرج داریم و باید در این انتظار خدمت کنیم. انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است و ما باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا کند و مقدمات ظهور آن شاه الله تهیه بشود. (همان، ج ۸، ص ۲۷۴) امام خمینی علیه السلام، همیشه بر زمینه سازی برای ظهور به عنوان وظیفه ای همگانی تأکید داشته و به صورت خاص از مسئولان خواسته اند به این موضوع توجه ویژه داشته باشند.

ب) صدور انقلاب (نظریه امانت و دعوت سیاسی)

با بررسی اندیشه امام علیه السلام می توان به این نکته دست یافت که ایشان، انقلاب اسلامی را در مرز یک کشور یا مردم خاص، نمی دانستند و آن را به عنوان یک نگاه جهانی مطرح می کردند. ایشان در این مورد فرموده است: امیدوارم که این نهضت و این انقلاب منتهی بشود به ظهور امام عصر - سلام الله علیه - و امیدوارم که این انقلاب ما به همه دنیا و برای همه مستضعفین، برای نجات همه مستضعفین به همه دنیا صادر بشود. (همان، ج ۱۳، ص ۱۱۹) امام در پایان مقدمه وصیت نامه خویش نیز درباره مخاطبان وصیت نامه سیاسی الهی خویش نوشته اند: و آنچه لازم است تذکر دهم آن است که وصیت سیاسی - الهی این جانب اختصاص به ملت عظیم الشان ایران ندارد، بلکه توصیه به جمیع ملل اسلامی و مظلومان جهان از هر ملت و مذهب می باشد. (همان، ج ۲۱، ص ۴۰۰)

ج) استقلال و اقتدار ایمانی (نظریه امانت و قدرت ملی)

حفظ استقلال و خوداتکایی در پرتوی اندیشه دینی و تلاش همگانی یکی از نکته های مورد تأکید امام بود. ایشان، یکی از عوامل قیام مردم علیه حکومت پهلوی را وابستگی این حکومت به بیگانگان دانسته و می فرمودند: و این کشوری که کشور ائمه هدی (و کشور صاحب الزمان) است، کشوری است تا ظهور موعود ایشان به استقلال خودش ادامه بدهد، قدرت خودش را در خدمت آن بزرگوار قرار بدهد. (همو: ج ۱۴، ص ۳۰۹)

د) کسب رضایت امام زمان علیه السلام (نظریه امانت و تکلیف سیاسی)

در اندیشه امام، همه مردم و مسئولان وظیفه دارند برای کسب رضایت امام عصر علیه السلام؛ صاحب اصلی حکومت اسلامی بکوشند.

اثر دعای حقیقی برای فرج

به طور یقین دعا در امر تعجیل فرج آن حضرت مؤثر است؛ اما نه لقلقه.
[در محضر آیت الله بهجت، ج ۲، ص ۳۲۴]

استغاثه به حضرت عجل الله تعالی فرجه الشريف

ما در دریای زندگی در معرض غرق شدن هستیم؛ دستگیری ولی خدا لازم است تا سالم به مقصد برسیم. باید به ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشريف استغاثه کنیم که مسیر را روشن سازد و ما را تا مقصد، همراه خود ببرد.
[در محضر آیت الله بهجت، ج ۱، ص ۳۱۱]

عمل به دانسته ها

هر چند حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشريف از ما غایب و ما از فیض حضور آن حضرت محرومیم؛ ولی اعمال مطابق یا مخالف دفتر و راه و رسم آن حضرت را می دانیم؛ و اینکه آیا آن بزرگوار را با اعمال و رفتار خود خشنود کنیم و سلامی - هر چند ضعیف - خدمتش می فرستیم؛ و یا آن حضرت را با اعمال ناپسند، ناراضی و ناراحت می کنیم!

[در محضر آیت الله بهجت، ج ۱، ص ۳۶۴]

نزدیک دانستن ظهور

علائم حتمیه و غیر حتمیه [ای] برای ظهور آن حضرت ذکر کرده اند. ولی اگر خبر دهند فردا ظهور می کند، هیچ استبعاد ندارد! لازمه این مطلب آن است که در بعضی علایم، بدها صورت می گیرد و بعضی دیگر از علایم حتمی هم، مقارن با ظهور آن حضرت اتفاق می افتد.
[در محضر آیت الله بهجت، ج ۲، ص ۴۲۱]

ثبات قدم در دین

به افرادی که پیش از ظهور در دین و ایمان باقی می مانند و ثابت قدم هستند، عنایات و الطاف خاصی می شود.
[در محضر آیت الله بهجت، ج ۱، ص ۱۰۲]

اصلاح نفس راه ارتباط با حضرت عجل الله تعالی فرجه الشريف

تا رابطه ما با ولی امر (امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف) قوی نشود، کار ما درست نخواهد شد و قوت رابطه ما با ولی امر هم در اصلاح نفس است.
[فیضی از ورای سکوت ص ۶۵]

عملی کم اما پر برکت

آقایی می گفت: محضر حضرت عجل الله تعالی فرجه الشريف مشرف شدم، ولی نمی دانستم اصلاً محضر چه کسی هستم! کمی صحبت کردیم و با هم حرف زدیم. بعد از این که دیدارمان تمام شد، یک دفعه به خود آمدم که ای وای کجا بودم؟! محضر چه کسی بودم؟! این آقا چه کسی بودند؟! اما دیدم دیگر گذشته است. این آقا می گفت که من ضمن صحبت هایم به ایشان عرض کردم: خیلی میل دارم یک کاری انجام دهم؛ یک عملی را انجام دهم که بدانم مورد توجه حضرت عجل الله تعالی فرجه الشريف است و بدانم اگر من آن کار را انجام دهم، مورد توجه حضرت می شوم. کار خوبی باشد و مورد پسند حضرت باشد. مدام این ها را تکرار کردم. حضرت عجل الله تعالی فرجه الشريف فرمود: یکی از آن کارهایی که خیلی مورد توجه واقع می شود، این است که به محض این که صدای اذان بلند شد، دعای «اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ...» را بخوانی!
[این نقل] خیلی موافق اعتبار است!

[کتاب «حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشريف»؛ مجموعه بیانات آیت الله بهجت درباره حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشريف]

دعا برای فرج

افسوس که همه برای برآورده شدن حاجت شخصی خود به مسجد جمکران می روند و نمی دانند که خود آن حضرت چه التماس دعایی از آن ها دارد که برای تعجیل فرج او دعا کنند!
[در محضر آیت الله بهجت، ج ۲، ص ۱۱۸]

عنایات حضرت عجل الله تعالی فرجه الشريف در دوران غیبت

در زمان غیبت هم عنایات و الطاف امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف نسبت به محبتان و شیعیانش زیاد دیده شده؛ باب لقاء و حضور بالکلیه مسدود نیست؛ بلکه اصل رؤیت جسمانی را هم نمی شود انکار کرد!

[در محضر آیت الله بهجت، ج ۱، ص ۲۴۷]

عمل به دین راه کشف رضایت حضرت عجل الله تعالی فرجه الشريف

اگر به قطعیات و یقینیات دین عمل کنیم، در وقت خواب و به هنگام محاسبه پی می بریم که از کدام یک از کارهایی که کرده ایم قطعاً حضرت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف از ما راضی است؛ و از چه کارهایمان قطعاً ناراضی است.

[در محضر آیت الله بهجت، ج ۲، ص ۲۵۰]



معرفی کتاب ...

عنوان: غیبت امام مهدی علیه السلام از دیدگاه امام جعفر صادق علیه السلام

نویسنده: العمیدی، نامر هاشم حبیب

مترجم: امین پور، عبدالله

گفت و گو درباره مهدویت، آخرالزمان و ظهور و قیام حضرت مهدی علیه السلام از روزهای آغازین بعثت نبی اکرم صلی الله علیه و آله مطرح و در دوره‌های مختلف ادامه داشته است. گاهی عقاید مردم و شرایط زمانه، گفت و گو در این باره را به سوی انحراف می‌کشاند و لازم بود فردی آگاه، مسائل را برای دیگران تشریح کند.

در میان امامان علیهم السلام، موقعیت امام صادق علیه السلام در تشریح و تبیین وقایع مهم غیبت، ظهور و قیام تکلیف مسلمانان در این خصوص بسیار برجسته است. این امام بزرگوار در زمان خویش تلاش کرد باور غیبت امام مهدی علیه السلام را رواج دهد و اندیشه اصیل مهدویت را در وجدان امتی بر انگیزاند که همه چیز در آن آشفته شده و حق با فکر و خیال‌های باطل آمیخته شده بود.

در چنین جامعه‌ای، اندیشه مهدویت دچار تضادها و تشویش‌هایی شده و ادعاهای باطل مهدویت ظهور کرده بود. از این رو امام صادق علیه السلام فضایی علمی را برای فهم فرایند غیبت فراهم آورد تا مردم بتوانند چهره واقعی غایب اهل بیت علیهم السلام را بشناسند.

نامر هاشم العمیدی در کتاب خود این مباحث را مطرح می‌کند: غیبت و علل آن، آموزه‌های مرتبط با غیبت، تأکید امام بر طولانی بودن غیبت و انجام کارها و فعالیت‌هایی که در زمان غیبت مطلوب است. نویسنده در پایان به موضع‌گیری‌های امام صادق علیه السلام در برابر ادعاهای باطل مهدویت از جمله «کیسانیه»، «امویه»، «حسینی» اشاره و پاسخ‌های امام به شبهات در موضوع مهدویت را ذکر می‌کند.



عنوان: نقش گذر از مادیت در اضطراب به ظهور

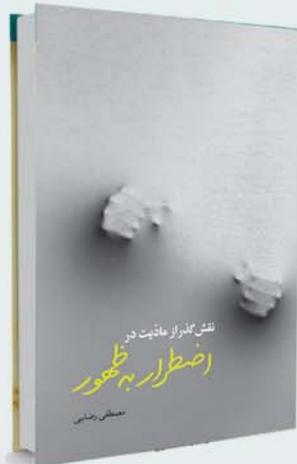
نویسنده: مصطفی رضایی

ناشر: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام

انسان برای سیر خود، نیازمند به گذر از موانع است و مظاهر و جلوه‌های دنیا، به عنوان مانع بیرونی و نفس به عنوان مانع درونی، سدّی محکم در مسیر معنوی او به حساب می‌آیند.

نفس به سبب احاطه بیشتر و تسلط بر قوای درونی انسان، از اغواکنندگی بیشتری برخوردار است و شیطان با استفاده از این دو ابزار، همواره در طول تاریخ، انسان‌ها را از صراط مستقیم دور کرده و سبب مهجوریت اولیاء الهی گشته است. در این میان، در دوران غیبت برای وصول به معرفت، محبت و اطاعت امام عصر علیه السلام و در نتیجه اضطراب به ایشان، منتظر باید به مبارزه با نفس و مظاهر فریبنده دنیا روی آورد تا ساحت وجودی او در اختیار و مرتع شیطان نباشد.

دستیابی به اضطراب، نیازمند برنامه ریزی و تلاش مستمر در دوران حیات است تا قلب منتظر به تدریج از عالم ماده، کنده شود و بتواند با روحی بزرگتر به معیت و همراهی با امام عصر در دوران غیبت و پس از آن، در عصر ظهور برسد. در این اثر به نقش گذر از مادیت در اضطراب به ظهور پرداخته شده است.

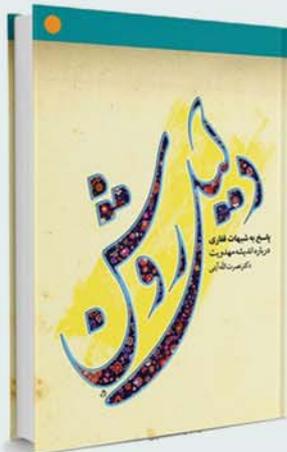


عنوان: دلیل روشن (پاسخ به شبهات قفاری درباره اندیشه مهدویت)

نویسنده: آیتی، نصرت الله

مشخصات نشر: آینده روشن، ۱۳۹۳

اعتقاد به منجی که با خروج خود، عدل و داد را در مقطع پایانی تاریخ حیات انسانی به ارمغان خواهد آورد، باوری است که پیروان ادیان سه گانه ابراهیمی و بخش چشم‌گیری از سایر ملل به آن ایمان دارند. از جمله نویسندگانی که تلاش کرده با القای شبهاتی، قرائت شیعی این آموزه فاخر را به نقد بکشند، دکتر ناصر القفاری - از نویسندگان وهابی مسلک معاصر - است. کتاب «اصول مذهب الشیعه» به لحاظ تنوع مباحث و جامعیت و شمار بسیار شبهات آن و طرح مطالب در قالب‌های به ظاهر علمی، نزد وهابیون موقعیتی ممتاز یافته است و در بسیاری از دانشگاه‌های معتبر به عنوان یکی از مواد درسی تدریس می‌شود. آن چه در این کتاب می‌آید تلاشی است جهت پاسخ‌گویی به شبهات فصل چهارم از باب سوم این کتاب که با عنوان «المهدیه و الغیبه» مطرح شده است.



تفاسیر گوناگون علمای اهل سنت از واژه «اولی الامر» در قرآن

پرسش:

علمای اهل سنت در تفسیر واژه «اولی الامر» چه مصادیقی برای آن ذکر کرده اند؟

پاسخ:

خداوند در آیه ۵۹ سوره نساء می فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده اید! اطاعت کنید خدا را! و اطاعت کنید پیامبر [خدا] و اولی الامر خود را. و هر گاه در امری نزاع داشتید، آن را به خدا و پیامبر بازگردانید [و از آنها داورى بطلبید] اگر به خدا و روز رستاخیز ایمان دارید. این [کار برای شما] بهتر، و عاقبت و پایانش نیکوتر است».

مفسران و علمای اهل سنت در معنی «اولی الامر» اختلاف زیادی دارند؛ بعضی آن را به معنی صحابه و بعضی به فرماندهان لشکر و بعضی به خلفای چهارگانه تفسیر کرده اند. در حالی که هیچ دلیل روشنی برای این تفسیرهای خود بیان نکرده اند.

جمع دیگری «اولی الامر» را به معنی علما و دانشمندان شمرده، و به آیه شریفه ۸۳ سوره «نساء» استناد نموده اند: «و هنگامی که خبری از پیروزی یا شکست به آنها برسد [بدون تحقیق] آن را شایع می سازند، در حالی که اگر آن را به پیامبر ﷺ و پیشوایان [که قدرت تشخیص کافی دارند] بازگردانند از ریشه های مسائل آگاه خواهند شد...».

ولی با توجه به اینکه آیه مورد بحث درباره اطاعت بدون قید و شرط است و آیه ۸۳ سوره «نساء» درباره سؤال و تحقیق است، دو مطلب مختلف را بیان می کند و هرگز نمی توان هر دو را به یک معنی دانست، تحقیق از «عالم» مطلبی است و اطاعت بی قید و شرط از «اولی الامر» مطلبی دیگر، دومی جز درباره معصومان تصور نمی شود، ولی اولی مفهوم گسترده ای دارد.

بعضی از مفسران اهل سنت احتمال پنجمی در اینجا داده اند که منظور از «اولی الامر» مجموع نمایندگان عموم قشرهای مردم و حکام و زمامداران و علماء و صاحب منصبان در تمام شئون زندگی مردم هستند و به تعبیر دیگر منظور جماعت اهل حل و عقد است که هر گاه آن ها بر چیزی اتفاق کنند اطاعت آن ها بی قید و شرط واجب است (مشروط به اینکه آن ها از ما باشند چون «منکم» در آیه شریفه چنین شرطی را ذکر کرده و مخالفت با سنت رسول اکرم ﷺ ننمایند، و نیز در بحث های خود تحت فشار اجبار نباشند، و اتفاق نظر داشته باشند و آن مسأله از مسائل عامه باشد). این مجموعه در مسائلی که نصی از طرف شارع مقدس در آن نرسیده است واجب اطاعه اند و می توان گفت مجموعه آنها معصوم هستند، و لذا امر به اطاعت آنها بی قید و شرط شده است. به این ترتیب آنها «اولی الامر» را مجموعه ای از علما و دانشمندان و اهل حل و عقد می داند که پنج شرط در آن جمع باشد:

مسلمان بودن + عدم مخالفت با سنت + عدم اجبار در اظهار عقیده + اظهار نظر در خصوص «مالانص فیه» + اتفاق نظر داشتن و چنین مجموعه ای را معصوم می شمرد.

آیا به راستی منظور از «اولی الامر» در آیه شریفه همین است؟ و آیا به راستی اهل عرف و اصحاب پیامبر ﷺ هنگامی که این آیه را می شنیدند چنین معنایی استفاده می کردند؟! و یا این معنی با تکلف فراوان بر آیه تحمیل شده، تا مبادا تفسیر آیه از مسأله امامان معصوم ﷺ که شیعه به آن معتقد است سر درآورد؟!

ظاهراً ریشه این سخن، از کلام فخر رازی گرفته شده است که می گوید: «تعبیر (اولی الامر منکم) در آیه نزد ما دلالت بر این دارد که اجماع امت حجت است! چراکه خداوند متعال امر به اطاعت «اولی الامر» به طور قطع (بی قید و شرط) فرموده است، و هر کس که خداوند این گونه امر به اطاعتش کند باید معصوم از خطا باشد؛ زیرا اگر معصوم نباشد احیاناً خطا می کند و در این صورت از یک سو عمل کردن به فرمان او واجب است و از سوی دیگر به خاطر خطا بودن، حرام و لازمه آن، اجتماع امر و نهی در فعل واحد و عنوان واحد است و این محال است. پس از اینجا روشن می شود که امر مطلق به اطاعت «اولی الامر» دلیل بر معصوم بودن او است.

سیس می افزاید: این معصوم یا مجموع امت است یا بعضی از امت اسلامی، احتمال دوم قابل قبول نیست؛ زیرا ما باید آن بعض را بشناسیم، و به او دسترسی داشته باشیم و از وی استفاده کنیم؛ در حالی که در این زمان از شناخت امام معصوم و دسترسی به او و استفاده از وی عاجزیم، بنابراین معصومی که امر به اطاعت بی قید و شرط او شده فرد یا گروه خاصی نیست و طبعاً باید منظور اجماع امت باشد».

(مفاتیح الغیب، فخرالدین رازی، ج ۱۰، ص ۱۵۳)

(سوره نساء، آیه ۸۳)

آنچه فخر رازی و نویسنده «المنار» و امثال آنها را در تنگنا قرار داده که آیه را چنین تفسیر کنند [آنهم تفسیری که به یقین هیچ یک از صحابه و یاران رسول خدا ﷺ به هنگام نزول آیه، این چنین تفسیری از آن نداشتند] بدلیل همان پیش داوری هایی است که مانع می شود از اینکه مفهوم آیه را در امامان معصوم اهل بیت (علیهم السلام) جستجو کنند. از یک سو دلالت آیه بر معصوم بودن «أولى الأمر» معلوم است و از سوی دیگر بنا نیست شخصی را به عنوان امام معصوم بپذیرند، لذا به سراغ تفسیری می روند که هیچ گاه صحابه پیامبر ﷺ به هنگام شنیدن آیه چنان چیزی را از آن نمی فهمیدند.

و از همه تفسیرها عجیب تر تفسیری است که بعضی از مفسران اهل سنت برگزیده اند و می گویند:

«منظور از «أولى الأمر»، حکام و امراء و شاهانند؛ و هر حاکمی بر مسلمانان حکومت کند، عادل باشد یا ظالم، در مسیر صحیح باشد یا منحرف، دستور به اطاعت خدا دهد یا معصیت و نافرمانی او، باید از او پیروی کرد». چنانکه در تفسیر «المنار» در اشاره سربسته ای می گوید: «وَتَعْضُهُمْ أَطْلَقَ فِي الْحُكْمِ فَأَوْجِبُوا طَاعَةَ كُلِّ حَاكِمٍ؛ بعضی، آیه را ناظر به اطاعت تمام حاکمان می دانند و اطاعت آنها را واجب می شمردند». (تفسیر القرآن الحکیم (تفسیر المنار)، ج ۵، ص ۱۴۷)

و باز از آن هم عجیب تر روایات مشکوک و مجعولی است که برای اثبات این تفسیر به پیامبر اکرم ﷺ نسبت داده اند. مثل اینکه حضرت در جواب سؤال یزید جعفی که عرض کرد: «یا نَبِيَّ اللَّهِ أَرَأَيْتَ إِنْ قَامَتْ عَلَيْنَا أَمْرَاءٌ يَسْتَلُونَا حَقَّهُمْ وَيَمْنَعُونَا حَقَّنَا فَمَا تَأْمُرُنَا؛ ای پیامبر خدا اگر حاکمانی بر ما مسلط شدند که حق خود را از ما بگیرند و حق ما را به ما ندهند چه کنیم؟...» (صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۳۴، باب ۱۲ (باب طاعة الامراء وان منعوا الحقوق))، پیامبر ﷺ فرمود: «اسْمَعُوا وَأَطِيعُوا!؛ گوش به فرمان آنها باشید و اطاعت کنید!».

در حدیث دیگری در همان کتاب از ابوذر نقل شده که گفت: «إِنَّ خَلِيلِي أَوْصَانِي أَنْ أَسْمَعَ وَأَطِيعَ وَإِنْ كَانَ عَبْدًا مُجَدَّعَ الْأَطْرَافِ (همان، ص ۱۴۶۷، باب ۸ (باب وجوب طاعة الامراء))؛ (دوست من [رسول خدا] به من سفارش کرده است که بشنوم و اطاعت کنم [فرمان امیران و حاکمان را] هر چند برده می دست و پاپریده ای باشد!) [بعضی مُجَدَّعُ الْأَطْرَافِ را به معنی کسی که در خانواده پست و آلوده ای متولد شده تفسیر کرده اند.]»

به یقین ساحت مقدس پیامبر بزرگ اسلام ﷺ پاک تر از آن است که چنین دستوری بر خلاف منطق عقل و شرع بدهد. در حالی که از خود آن حضرت نقل شده است که اطاعت مخلوق در معصیت خالق جایز نیست و بهترین دلیل بر ساختگی بودن این گونه احادیث، آن است که خود ابوذر که این حدیث از او نقل شده، به گواهی تاریخ در زندگیش هرگز چنین نکرد و حتی در راه مبارزه با انحراف امیران و حاکمان وقت، جان خود را از دست داد! بهر حال پر واضح است که مقام پیامبر ﷺ بالاتر از این گفتگوها است. هیچ انسان عاقلی نمی تواند چنین سخنی بر زبان براند که حاکم، واجب الاطاعة است در هر کاری که کند و هر سخنی بگوید و هر کسی که باشد؛ مخصوصاً با توجه به اینکه این حدیث در میان همه علمای اسلام اعم از شیعه و اهل سنت معروف است که: «لَا طَاعَةَ لِمَخْلُوقٍ فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ؛ اطاعت از مخلوق در معصیت خالق جایز نیست» (نهج البلاغه، کلمات قصار [۱۶۷] [۱۶۵] و «لَا طَاعَةَ لِمَنْشَرٍ فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ» (الدر المنثور فی تفسیر المأثور، ج ۲، ص ۱۷۷)

به این ترتیب نتیجه می گیریم که روشن ترین تفسیر برای آیه همان اطاعت امامان معصوم (علیهم السلام) است.

گردآوری از کتاب: پیام قرآن، چاپ ششم، ج ۹، ص ۵۴



پرسش:

منظور از «صادقین» در آیه ۱۱۹ سوره «برائت» چه کسانی است؟

پاسخ:

خداوند در آیه ۱۱۹ سوره «برائت» می فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید از خدا پروا کنید و با صادقان باشید».

در اینکه منظور از «صادقین» چیست و آنها چه کسانی هستند؟ تفسیرهای مختلفی وجود دارد.

بعضی احتمال داده اند: منظور از «صادقین» شخص پیامبر (علیهم السلام) است و این آیه منحصر به زمان او است؛ در حالی که واضح است آیه مانند سایر خطابات قرآن، عام است و تمام مؤمنان را در هر عصر و زمان و مکان فرا می گیرد.

بعضی دیگر گفته اند: که «مَعَ» در اینجا به معنی «من» می باشد، یعنی: شما از جمله صادقان و راستگویان باشید! در حالی که هیچ ضرورتی برای این گونه تأویل ها و توجیه ها وجود ندارد، و اصولاً معلوم نیست در ادبیات عرب و کلمات ادباء «مع» به معنی «من» به کار رفته باشد!

طبق ظاهر آیه، همه مسلمانان موظفند که در هر عصر و زمانی در خط صادقان و همراه آنان باشند، و از آن معلوم می شود که در هر عصر و زمان، صادق یا صادقانی وجود دارند که مردم باید برای پیمودن راه تقوا و پرهیزکاری با آنان باشند.

بهتر این است برای فهم معنی «صادقان» به خود قرآن باز گردیم و ببینیم چه اوصافی را برای «صادقان» بیان کرده است:

قرآن در آیه ۱۵ سوره حجرات می فرماید:

«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَنَازِعُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ؛ مؤمنان واقعی تنها کسانی هستند که به خدا و رسولش ایمان آورده اند، سپس هرگز شك و تردیدی به خود راه نداده، و

اشک صافانه

سرمه در آید در خم ماه در روز

با اموال و جان های خود در راه خدا جهاد کرده اند آن ها راست گویان هستند».

در این آیه، «صدق» به صورت مجموعه ای از «ایمان و عمل» که خالی از هر گونه شك و تردید و تخلف باشد معرفی شده است. در آیه ۱۷۷ سوره «بقره» بعد از آن که حقیقت نیکوکاری را در ایمان به خدا و روز بازپسین و فرشتگان و کتب آسمانی و پیامبران و همچنین انفاق مال در راه خدا و در طریق نجات مستضعفان و بردگان و نیز برپا داشتن نماز و دادن زکات و وفای به عهد و صبر و شکیبایی و استقامت در برابر مشکلات و در هنگام جهاد ذکر می کند، می افزاید: «أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا؛ اینها کسانی هستند که راست می گویند». به این ترتیب نشانه اصلی صادقان ایمان کامل به همه مقدسات و اطاعت فرمان خدا در تمام زمینه ها، مخصوصاً نماز و زکات و انفاق و استقامت در جهاد و در مقابل مشکلات ذکر کرده است و نظیر همین معنی در آیه ۸ سوره «حشر» نیز آمده است. از مجموع این آیات و همچنین از اطلاق آیه مورد بحث، که بودن با «صادقان» را بدون هیچ قید و شرط ذکر می کند، نتیجه می گیریم که مسلمانان موظفند با کسانی باشند که از نظر ایمان و تقوا در اعلا درجه و از نظر علم و عمل و استقامت و جهاد در بالاترین سطح باشند. دقت کنید، آیه نمی گوید در زمره صادقان باشید بلکه می گوید همراه آنها باشید در حالی که در مورد متقین می گوید از پرهیزکاران باشید و این نشان می دهد که منظور مرحله ای بالاتر از مراحلی است که مردم به آن می رسند، و روشن ترین مصداق این معنی همان معصومان عليهم السلام هستند... از سوی دیگر، دستور به همراه بودن با «صادقان» به طور مطلق و جدا نشدن از آنان بدون هیچ قید و شرط، قرینه دیگری بر معصوم بودن آنها است؛ زیرا پیروی بی قید و شرط جز در مورد معصومان معنی ندارد. (دقت کنید)

جالب اینکه فخر رازی بعد از ذکر مقدماتی در مورد آیه، و اشاره به این نکته از آیه، می گوید: «کسی که ممکن الخطا است واجب است اقتدا به کسی کند که معصوم است، و معصومین کسانی هستند که خداوند متعال آنان را «صادقان» شمرده است، پس این آیه دلالت می کند بر اینکه بر افراد جایز الخطا واجب است که با معصومان از خطا باشند، تا معصومان از خطا، مانع خطای ممکن الخطاها شوند، و این معنی در هر زمانی ثابت است. بنابراین در هر زمانی باید معصومی وجود داشته باشد!» سپس می افزاید: «ما قبول داریم که در هر زمانی باید معصومی باشد ولی می گوییم معصوم، مجموع اُمت اند! در حالی که شما [شیعیان] می گوید: معصوم تنها یکی است».

(مفاتیح الغیب، فخرالدین رازی، ج ۱۶، ص ۱۶۷. (سوره توبه، آیه ۱۱۹))

فخر رازی با توجه به مضمون روشن آیه نتوانسته است دلالت آن را بر وجود معصوم در هر عصر و زمانی انکار کند، ولی برای اینکه عقیده پیروان مکتب اهل بیت عليهم السلام را نپذیرد، سخن از معصوم بودن جمیع امت، یا به تعبیر دیگر اجماع امت به میان آورده است. در حالی که اولاً مسائل اجماعی که جمیع امت در آن متفق اند، مسائل محدودی است و حال آنکه همراه با صادقان بودن يك وظیفه عام و در همه جا و همه چیز است. (دقت کنید)

ثانیاً هیچ عرب زبانی به هنگام نزول این آیه از کلمه «صادقین» مجموع امت را نمی فهمیده است، پس چگونه می توان آن را بر این معنی حمل کرد؟ چه بهتر که اعتراف کنیم در هر عصر و زمانی، «صادق» که هیچ خطا و خلاف و اشتباهی در سخنان او نیست وجود دارد و ما باید پیرو آنها باشیم!

پرسش:

در اینجا سؤالی پیش می آید و آن اینکه «صادقین» جمع است پس باید در هر عصر و زمانی چند معصوم وجود داشته باشد، و این با عقیده پیروان مکتب اهل بیت عليهم السلام نیز سازگار نیست.

پاسخ:

با توجه به يك نکته روشن است و آن اینکه این جمع می تواند اشاره به مجموع زمان ها بوده باشد؛ زیرا «صادقان» در مجموع زمان ها جماعتی را تشکیل می دهند، درست مثل اینکه گفته شود مردم هر زمان باید پیرو انبیاء و پیامبران الهی باشند، مفهوم این سخن آن نیست که در هر زمان پیامبران متعددی وجود دارند؛ بلکه منظور این است که هر گروهی پیرو پیامبر زمان خود گردند، یا گفته شود مردم باید تکالیف خود را از علماء و مراجع تقلید بگیرند؛ یعنی هر کس پیرو عالم و مرجع تقلید زمان خود باشد. شاهد گویای این موضوع آن است که در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله جز او کسی که واجب الاطاعة باشد وجود نداشت، در حالی که آیه فوق به طور قطع شامل زمان او می شود، بنابراین روشن است که منظور، جمع در يك زمان نیست، بلکه منظور در مجموعه زمان ها است.

گردآوری از کتاب: پیام قرآن، چاپ ششم، ج ۹، ص ۴۹

فرهنگ انتظار منشأ تحول و تکامل

حجت الاسلام محمد علی خسروی



<<< مبارزه مستمر با هر نوع ظلم و انحراف

نام مقدس حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه با اجرای عدالت و مبارزه با ستم گره خورده و یاد حکومت آن حضرت، جهانی عاری از ظلم و اجحاف و دنیایی سراسر عدل و انصاف را در ذهن ها مجسم می سازد. پرچم نهایی ستیز با هر نوع انحراف و ستم به دست توانای اوست. پس کسانی که داعیه انتظار آن حکومت الهی را دارند نمی توانند در برابر کجروی ها و ستم ها بی تفاوت باشند. برای منتظران آن حضرت، مبارزه با نوع ظلم و تعدی یک اصل است. ما ظلم خوب و ظلم بد نداریم. ظلم، ظلم است و آدمکشی خیانت است چه فرد ستمگر و منحرف با ما رابطه دوستی داشته باشد یا نه. این توجیهات سخیف که مثلاً ما با فلان ستمگر منافع مشترک داریم و تضعیف او به صلاح نیست و توجیهاتی از این قبیل در فرهنگ انتظار جایی ندارد و پذیرفته نیست. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه با قیام خود کجروی ها را راست و ریشه ستم را می سوزاند در هر جا و با هر عنوانی. چه در کلیسا و بتخانه باشد و چه در مسجد و حسینیه. امام عجل الله تعالی فرجه می فرماید: «... وقتی که ایشان ظهور کنند - ان شاء الله خداوند تعجیل کند در ظهور او - تمام بشر را از انحطاط بیرون می آورد، تمام کجیها را راست می کند: يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا بَعْدَ مَا مُلِئَتْ جَوْرًا. همچو نیست که این عدالت همان که ماها از آن می فهمیم که نه یک حکومت عادلانه باشد که دیگر جور نکند آن، این هست اما خیر، بالاتر از این معناست. معنی يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا بَعْدَ مَا مُلِئَتْ جَوْرًا. الآن زمین و بعد از این، هم بدتر شاید بشود، پر از جور است؛ تمام نفوسی که هستند انحراف در آنها هست. حتی نفوس اشخاص کامل هم در آن انحرافی هست ولو خودش نداند.

شاید بتوان مفهوم «انتظار» را کلان ترین و البته پرچالش ترین مفهوم تاریخ ادیان خواند، مفهومی هرمکانی و هرزمانی که بیش از هر واژه دیگری در هاله ابهام و خرافه فرو رفته است. تاریخ انتظار دو پهنا دارد یکی تلاشی جانانه برای ترسیم خوبی ها و گشایش راهی به رهایی است و دیگری کوششی میان دروغ و خرافه است تا راهی به منافع شخصی و گروهی برگشاید. عصر انتظار، عرصه جدال بین خرافه و حقیقت ناب است.

برآنیم تا به چرایی خرافه‌گویی‌ها بپردازیم و بگوییم خرافه چیست؟ محصول کدام کنش است؟ و با خرافه‌گرایی چه باید کرد؟ سخن در ابعاد این ارزش دینی از لحاظ تربیتی، تاریخی، جامعه شناختی، سیاسی، روانی و تأثیرات مثبت آن در بیداری و پیشرفت جامعه و نیز آسیب شناسی آن فرصت و مجال دیگری می طلبد و کما بیش محققان و نویسندگان روشنفکر و عالمان دلسوز و آگاه در دهه های اخیر مقالات، کتاب‌ها و سخنرانی های مفیدی در این زمینه ارائه کرده اند. در این مختصر به چند نکته پیرامون فرهنگ انتظار شامل: شاخص ها، چالش ها و اهداف قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه اشاره می کنم:

الف. شاخص های فرهنگ انتظار <<<< آمادگی

منتظران مصلح جهانی از آمادگی لازم برای ظهور برخوردارند. این آمادگی را می توان در گفتار و رفتار آنان مشاهده کرد. مرحوم استاد محمدرضا حکیمی سال ها پیش در کلامی زیبا گفته بود: «کسانی که در انتظار مصلح به سر می برند خود باید صالح باشند» چه گونه می توان از انتظار و شادمانی ظهور دم زد ولی در عمل هیچ نسبتی با عدالت و صداقت و تقوی نداشت. اولین شاخص در فرهنگ انتظار، آراستگی روحی و اخلاقی و آمادگی در اندیشه و عمل برای استقبال از میهمان عزیز و گرانقدری است که احیاگر ارزش های دینی و انسانی و حامل بزرگترین رسالت برای نشر پاکی و معنویت در جهان خواهد بود. امام خمینی رحمته الله علیه در یکی از سخنرانی های خود در ایام ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه می فرماید: «و ما باید در اینطور روزها و در اینطور ایام الله توجه کنیم که خودمان را مهیا کنیم از برای آمدن آن حضرت. من نمی توانم اسم رهبر روی ایشان بگذارم؛ بزرگتر از این است. نمی توانم بگویم که شخص اول است؛ برای اینکه دومی در کار نیست. ایشان را نمی توانیم ما با هیچ تعبیری تعبیر کنیم الا همین که مهدی موعود است. آئی است که خدا ذخیره کرده است برای بشر. و ما باید خودمان را مهیا کنیم از برای اینکه اگر چنانچه موفق شدیم ان شاء الله به زیارت ایشان، طوری باشد که رو سفید باشیم پیش ایشان.» (صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۴۸۲)

<<< روحیه حمایت از محرومان و مستضعفان جهان

دومین شاخص برای یک فرد و یک جامعه داشتن روحیه تعاون و حمایت از ضعفا و محرومان مسلمان و غیر مسلمان است. کسانی که تنها به فکر رفاه حال خود و اطرافیان خود هستند و از درد محرومان و آتش فقر و ناداری بی خبر و غافل اند در مجموعه منتظران آن حضرت جایگاهی ندارند. هرچند هر جمعه دعای ندبه بخوانند و دعای فرجشان ترک نشود. کسانی که دل در گرو عشق حضرت دارند برای همه مستضعفان جهان حتی غیر مسلمانان اعم از اهل کتاب و غیر اهل کتاب دل می سوزانند و آرزوی نجات همه بشریت را از انواع گرفتاری ها دارند. آنان که می پندارند امام مهدی عجل الله تعالی فرجه برای حمایت از مسلمانان، آن هم نه همه مسلمین بلکه فقط شیعیان، آن هم نه همه شیعه بلکه گروه خاصی از شیعیان خواهد آمد سخت در اشتباه اند. امام خمینی رحمته الله علیه در یکی از سخنرانی های خود در مورد نیمه شعبان می فرماید: «... این عید، عید تمام بشر است بعد از آنکه آن اعیاد، اعیاد مسلمین است. این عید، عید تمام بشر است. تمام بشر را ایشان هدایت خواهند کرد ان شاء الله...» (همان)

در اخلاق‌ها انحراف هست، در عقاید انحراف هست، در اعمال انحراف هست و در کارهایی هم که بشر می‌کند انحرافش معلوم است. و ایشان مأمورند برای اینکه تمام این کجی‌ها را مستقیم کنند و تمام این انحرافات را برگردانند به اعتدال که واقعاً صدق بکند *يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا بَعْدَ مَا مَلَأَتْ جَوْرًا*.
(صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۴۸۲)

ب. چالش‌ها

سوء استفاده از مهدویت

مهدویت یکی از منطقی‌ترین حقایق دینی و از قطعی‌ترین وقایعی است که فلسفه ارسال رسل و انزال کتب را محقق خواهد کرد. این حقیقت دینی با فطرت پاک بشر نیز هم سوئی دارد. متأسفانه در طول تاریخ بسیاری از شیادان با تکیه بر این عقیده اسلامی از احساسات پاک مردم سوء استفاده کرده و برای دستیابی به منافع مادی و شهوات دنیوی با ادعای ارتباط با امام زمان عجل الله تعالی فرجه جمعی ناآگاه و ساده لوح را فریب داده و به دنبال خودکشانده‌اند.

قادیانی‌ها در پاکستان، بابیان و بهائیان در ایران و ترکیه و فرقه‌های نو ظهور دیگر در نقاط دیگر همه زاده جهل مردم از یکسو و حب جاه و مقام مدعیان ارتباط با امام زمان عجل الله تعالی فرجه و احیاناً حمایت استعمارگران از سوی دیگر بوده است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون متأسفانه بارها شاهد سوء استفاده از احساسات پاک دینی مردم در این راستا بوده ایم، خاطره‌ای را که مرحوم آیت الله شیخ محمد رضا توشلی عجل الله تعالی فرجه یار همیشه همراه امام در این زمینه نقل کردند بسیار آموزنده است که وقتی عده‌ای مدعی ارتباط با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه با وساطت یکی از بزرگان به محضر حضرت امام شرفیاب می‌شوند، امام با استفاده از تیزهوشی و بصیرت الهی خود قبل از آنکه آنان ادعاها و موهومات خود را مطرح کنند فرموده بود شما ابتدا جواب سؤالات مرا از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه بگیرید تا صحت ادعای شما بر من ثابت شود تا من هم به صحبت‌های شما گوش دهم. پس از طرح سؤالات، آن‌ها با ناراحتی رفتند و دریافتند که امام خمینی عجل الله تعالی فرجه از آن دسته معممین نیست که بتوانند با ریا و تملق و ظاهرسازی در او نفوذ کرده و به مطامع غیر الهی خود برسند.

امروز یکی از بزرگترین چالش‌های پیش‌رو در بحث مهدویت، خیل کسانی است که حتی بعضاً در کسوت روحانیت با طرح یک سری ادعاهای دروغین و به ظاهر جذاب، جمعی از مردان و زنان متدین جامعه را اغفال کرده و خرافاتی را در لباس حقیقت به آنان تلقین کرده‌اند.

مدعیان دفاع از مهدویت

در مقابل انحراف گروه اول که اولین چالش در این زمینه بود گروه دیگری با هدف مبارزه با آن منحرفین وارد میدان شدند که خود نیز در انحراف دست کمی از آنان نداشتند و خطرشان اگر نگوئیم بیش از مدعیان ارتباط با امام زمان عجل الله تعالی فرجه است قطعاً کمتر از آنان نیست. این دسته کسانی هستند که با نام‌های مختلف مانند انجمن حجتیه و غیره روزی هرگونه اقدام برای تشکیل حکومت اسلامی را حرام می‌دانستند و بزرگترین مانع برای پیوستن مذهبی‌ها به نهضت امام خمینی عجل الله تعالی فرجه بودند ولی پس از پیروزی انقلاب حاضر شدند همه ارزش‌های دینی و انسانی را برای تصاحب قدرت زیر پا بگذارند. بی‌جهت نیست که امام خمینی عجل الله تعالی فرجه بارها درباره این گروه و تفکر آنان هشدارهای جدی دادند و نسبت به نفوذ و رخنه این گروه در ارکان نظام نگران بودند.

(از جمله بنگرید به منشور روحانیت: صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۸۱ و نامه به شورای نگهبان: صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۶۱۳)

بدیهی است بهترین راه برای جوانان علاقه مند به مباحث مهدویت برای مصون ماندن از افراط و تفریط‌ها مطالعه کتاب‌های مستند و استفاده از اندیشه‌ها و هدایت‌های مراجع آگاه شیعه است.

ای بسا ابلیس آدم رو که هست پس به هر دستی نباید داد دست

اهداف قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه

برای این که سخن به درازا نکشد چند هدف عمده از قیام جهانی مصلح کل حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه را که برگرفته از پیام امام خمینی عجل الله تعالی فرجه در نیمه شعبان سال ۶۰ است یاد آور می‌شویم. امام خمینی عجل الله تعالی فرجه اهداف قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه را در قالب عباراتی که حاوی نکات بسیار مهم و قابل تأمل است بر شمرده‌اند. (صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۴۷۲) خلاصه آن چنین است:

- * پاک شدن جهان از دغلبازی‌ها و فتنه‌انگیزی‌ها
 - * خارج شدن منافقان و حيله‌گران از صحنه
 - * حاکمیت قانون عدل اسلامی
 - * شکسته شدن قلم‌ها و زبان‌های نفاق افکن
 - * پرتو افکن شدن سلطان حق تعالی بر عالم
 - * به انزوا گراییدن شیاطین و شیطان صفتان
 - * برچیده شدن سازمان‌های دروغین حقوق بشر
 - * برافراشته شدن پرچم عدالت و رحمت حق تعالی بر بیض زمین
- به امید روز فرخنده‌ای که جهان شاهد طلوع خورشید هدایت و امامت بر پهنه گیتی باشد.

مباحث مهدویت در فرمایشات امام رضا علیه السلام

به طور عمده روایات آن حضرت در محورهای زیر است:

ولادت حضرت مهدی علیه السلام

فلسفه مخفی بودن ولادت حضرت

ایوب بن نوح گوید به حضرت رضا علیه السلام عرض کردم: من امیدوارم که شما صاحب الامر باشید، و خدا امر امامت را بدون شمشیر و خونریزی به شما رساند، زیرا برای شما (به ولایت عهدی مأمون) بیعت گرفته شده و به نام شما سکه زده‌اند، حضرت فرمود: هیچ کس از ما خاندان نیست که مکاتبات داشته باشد و با انگشت به سویش اشاره کنند و از او مسأله بپرسند و اموال برایش برند، جز اینکه یا ترور شود و یا در بستر خود بمیرد.

... حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ لِهَذَا الْأَمْرِ غَلَامًا مِّنَّا خَفِيَ الْوِلَادَةَ وَالْمَنْشَأَ غَيْرَ خَفِيَ فِي نَسَبِهِ؛ تا زمانی که خدا برای این امر (امامت) کودکی را از ما خاندان مبعوث کند که ولادت و وطن او نهان است ولی نسبت و دودمانش نهان نیست. (الكافی، ج ۱، ص ۳۴۱، ح ۲۵)

امتحان شیعیان

محمد بن ابی یعقوب بلخی گوید: شنیدم که امام رضا علیه السلام فرمود:

إِنَّكُمْ سَتَبْتَلُونَ بِمَا هُوَ أَشَدُّ وَأَكْبَرُ تَبْتَلُونَ بِالْجَنِينِ فِي بَطْنِ أُمِّهِ وَالرَّضِيعِ حَتَّى يَقَالَ غَابَ وَمَاتَ وَيَقُولُونَ لِأِمَامٍ وَقَدْ غَابَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَغَابَ وَغَابَ وَهَذَا أَمُوتُ حَتْفَ أَنْفِي؛ شما در آتیه نزدیک به چیزی هر چه شدیدتر و بزرگتر آزمایش خواهید شد، به طفلی در شکم مادر خود، و کودکی شیرخوار امتحان خواهید شد تا آنکه گفته شود از دیده‌ها پنهان شد و مرد، و بگویند: در حالی که رسول خدا ﷺ غایب شد و باز غایب شد و غایب شد (یک بار در غار حرا و یک بار در غار ثور)، و این هم من که به مرگ خواهم مرد (یعنی او من نخواهد بود و من به مرگ می میرم نه به شمشیر).

غیبت حضرت مهدی علیه السلام

فلسفه غیبت (زیر بیعت کسی نبودن)

حسن بن علی بن فضال از امام رضا علیه السلام نقل کرده است که حضرت فرمودند: گویا شیعه را می بینم، آن زمان که سومین نفر از فرزندانم را نمی یابند و بدنبال این هستند که کسی امور آنان را بدست گیرد و شئونشان را تدبیر نماید ولی او را نمی یابند، عرض کردم: چرا یا ابن رسول الله؟! حضرت فرمودند: زیرا امامشان غائب می گردد، عرض کردم: چرا؟ فرمودند: زیرا در هنگام قیام، بیعت کسی در گردن او نباشد (و با اجبار با ظالم زمان خود بیعت نکرده باشد). (عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۳۳، ح ۶)

خضر علیه السلام از همراهان مهدی علیه السلام

در عصر غیبت

حسن بن علی بن فضال گوید از امام رضا علیه السلام شنیدم که می فرمود:

خضر علیه السلام از آب حیات نوشید و او زنده است و تا نفخ صور نخواهد مرد و او نزد ما می آید و سلام میکند و آوازش را می شنویم؛ اما شخصش را نمی بینیم و او هر جا که یاد شود حاضر می شود و هر که او را یاد کند بایستی بر او سلام کند و او همه ساله در موسم حج حاضر می شود و همه مناسک عرفه و قوف می کند و بردعای مؤمنین آمین می گوید و خداوند به واسطه او تنهائی قائم ما را ادر دوران غیبتش به انس تبدیل کند و غربت و تنهائیش را با وصلت او مرتفع سازد.

فضیلت انتظار فرج

احمد بن محمد گوید از امام رضا عجل الله تعالی فرجه الشریف شنیدم که فرمود: «چقدر صبر پیشه گرفتن و انتظار فرج کشیدن نیکو است!» (تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۰) و در جای دیگر از آن امام همام به نقل جد بزرگوار خود رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده است: أَفْضَلُ أَعْمَالٍ أُمَّتِي أَنْتِظَارُ فَرَجِ اللَّهِ؛ افضل اعمال امت من انتظار کشیدن آنهاست گشایش خدا را در امورات. (کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۶۴۴، ح ۳)

اشتیاق امام رضا عجل الله تعالی فرجه الشریف به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

از آنجایی که پیشوایان معصوم علیهم السلام به مقام والای امام و امامت شناختی کامل دارند؛ وقتی سخن از يك امام پیش می آید، در نهایت بزرگداشت از او یاد می کنند.

در منابع معتبر اولیه نقل شده است که: عبدالسلام هروی گوید: از دعبل بن خزاعی شنیدم که می گفت: بر مولای خود امام رضا عجل الله تعالی فرجه الشریف قصیده خود را خواندم که چنین آغاز می شود: مَدَارِشْ آيَاتٍ خَلَّتْ مِنْ تِلَاوَةِ وَ مَنْزِلٍ وَحْيٍ مُقْفَرِ الْعَرَصَاتِ و چون به این ابیات رسیدم:

خُرُوجُ إِمَامٍ لَا مَحَالَةَ خَارِجٌ يَقُومُ عَلَيَّ اسْمُ اللَّهِ وَ الْبَرَكَاتِ
يَمَيِّزُ فِينَا كُلَّ حَقٍّ وَ بَاطِلٍ وَ يُجْزِي عَلَيَّ النَّعْمَاءَ وَ النَّقَمَاتِ

امام رضا عجل الله تعالی فرجه الشریف به سختی گریست. سپس سر خود را بلند کرده و به من فرمود:

يَا خُزَاعِيُّ نَطَقَ رُوحُ الْقُدْسِ عَلَيَّ لِسَانَكَ يَهْدِينِ الْبَيْتَيْنِ فَهَلْ تَذَرِي مَنْ هَذَا الْإِمَامُ وَ مَتِي يَقُومُ؛ ای خزاعی! روح القدس این دو بیت را بر زبان تو جاری کرده است آیا می دانی این امام کیست و کی قیام خواهد کرد؟ گفتم: خیر ای سرورم، جز اینکه شنیده ام امامی از شما خاندان خروج میکند و روی زمین را از فساد پاک و جهان را پر از عدل و داد می نماید.

آن جناب فرمود: ای دعبل، امام پس از من فرزندم محمد است، و پس از محمد پسرش علی و پس از وی فرزندش حسن و پس از او ولدش حجت قائم که در زمان غیبتش انتظار او را کشند و در زمان حضور و ظهورش بر همه جهانیان مطاع و فرمانده باشد، و اگر از روزگار باقی نماند مگر يك روز، خداوند، آن يك روز را طولانی میکند تا او خارج شود و روی زمین را پر از عدل و داد کند، همچنان که پر از ظلم و جور شده است، و اما کی و در چه وقت این واقعه روی خواهد داد؟ این مانند خبر دادن از وقت قیامت است، و پدرم برای من از پدرش از اجداد بزرگوارش حدیث کرد که برسول خدا گفتند: یا رسول الله چه وقت قائمی که از ذرّیه شماست خروج می کند؟ فرمود: مثل آن مثل ساعت قیامت است که آشکار نکند آن را مگر خداوند، بسیار گران است آن بر اهل آسمانها و اهل زمین، نمی آید آن مگر ناگهان. (کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۲۷۶، ح ۶)

ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

برانگیخته شدن و ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، بزرگ ترین حادثه ای است که در پایان دوران رخ می دهد در برخی روایات برای آن حضرت هنگام ظهور ویژگی هایی بیان شده است.

ویژگی های جسمانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هنگام ظهور

ابو صلّت هزروی گوید: به امام رضا عجل الله تعالی فرجه الشریف گفتم: علامات ظهور قائم شما چیست؟ فرمود: نشانه اش این است که در سن پیری است ولی منظرش جوان است به گونه ای که بیننده می پندارد چهل ساله و یا کمتر از آن است و نشانه دیگرش آن است که به گذشت شب و روز پیر نشود تا آنکه اجلس فرارسد. (کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۶۵۲، ح ۱۲)

نشانه های ظهور

احمد بن محمد بن ابی نصر از امام رضا عجل الله تعالی فرجه الشریف روایت کرده که آن حضرت فرمود: پیش از این امر، سفیانی و یمانی و مروانی و شعیب بن صالح باید ظاهر شوند پس چگونه این شخص (یعنی محمد بن ابراهیم بن اسماعیل که معروف به ابن طباطباست) چنین ادعای کند؟ (بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۳، ح ۹۹)

ناگفته نگذرم طبق روایات دیگر فقط سفیانی و یمانی در شمار نشانه های حتمی ظهور دانسته شده است.

ندای آسمانی

حسن بن محبوب از امام علی بن موسی الرضا عجل الله تعالی فرجه الشریف روایت کرده که در ضمن حدیث طولانی که ما آنچه مورد احتیاج بود از آن خلاصه کردیم. فرمود: آشوبی روی میدهد که زیرکان و شخص با احتیاطی که از خواص ما می باشند نیز دامنش به آن ورطه کشیده می شود و این هنگامی است که شیعیان سومین (امام) از اولاد مرا از دست بدهند. اهل آسمان و زمین بر وی گریه می کنند. چه بسیارند مؤمنانی که هنگام از دست رفتن «ماء معین» آب صاف و زلال (قائم) متأسف و تشنه و محزون می باشند. گویا آنها را می بینم که بسیار مسرورند! آنها را صدا می زنند و آن صدا از دور شنیده می شود. چنان که از نزدیک شنیده می شود، و آن صدا برای اهل ایمان رحمت و برای کفار عذاب است..... (کتاب الغیبة، ص ۴۳۹)

امدادهای الهی در عصر ظهور

در برخی از سخنان پیشوایان معصوم علیهم السلام به این امدادها اشاره شده است.

نزول فرشتگان

شیخ صدوق رحمته الله علیه در روایتی مفصل در باره شهادت امام حسین عجل الله تعالی فرجه الشریف به نقل از ریان بن شیبب گوید: ... امام رضا عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود:

... و چهار هزار فرشته برای یاریش به زمین آمدند و دیدند کشته شده و بر سر قبرش ژولیده و خاک آلود باشند تا قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور کند و یاریش کند و شعار آنها «یا لثارات الحسین» است.

(الامالی شیخ صدوق، ص ۱۲۹)



وقتی بیایی

هر قطره دریا می شود وقتی بیایی
صحرا شکوفامی شود وقتی بیایی

آئینه در آئینه در آئینه لبخند
دنیا چه زیبا می شود وقتی بیایی

چیزی شبیه آنچه در باور نگنجد
مانند رویا می شود وقتی بیایی

رمز تمام قفل های بسته ما
یک لحظه پیدا می شود وقتی
بیایی

یوسف که در مصر ملاحمت پادشاه
است

محتو تماشامی شود وقتی بیایی

در باور ما ریشه دارد وعده وحی
«فتحا مبینا» می شود وقتی بیایی

تلخ است صبر و انتظار اما به کامم
شهد گوارا می شود وقتی بیایی

آن پرجمی که عصر عاشورا زمین خورد
در کعبه برپا می شود وقتی بیایی

بر نیزه آیاتی که ثارالله می خواند
تفسیر و معنای می شود وقتی بیایی

یابن الحسن! عقده ز کار بسته ما
بالطف تو و او می شود وقتی بیایی

کمیل کاشانی

چه حکایتی ...

لب ما و قصه ی زلف تو، چه توهمی! چه حکایتی!
تو و سر زدن به خیال ما، چه ترحمی! چه سخاوتی!
به نماز صبح و شب و سلام! و به نور در نسبت سلام!
و به خال کنج لب ت سلام! که نشسته با چه ملاحتی!

وسط «الست بریکم» شده ایم در نظر تو گم
دل ما پیااله، لب تو خم، زده ایم جام ولایتی

به جمال، وارث کوثری، به خدا حسین مکرری
به روایتی خود حیدری، چه شباهتی! چه اصالتی!

«بلغ العلی» به کمال تو «کشف الدجی» به جمال تو
به تو و قشنگی خال تو، صلوات هر دم و ساعتی

شده پر دو چشم تو در ازل، یکی از شراب و یکی عسل
نظرت چه کرده در این غزل، که چنین گرفته حلاوتی!

تو که آینه تو که آیتی، تو که آبروی عبادتی
تو که بادل همه راحتی، تو قیام کن که قیامتی

زد اگر کسی در خانه ات، دل ماست کرده بهانه ات
که به جستجوی نشانه ات، ز سحر شنیده بشارتی

غزلم اگر تو بسازیم، ونی ام اگر بنوازیم
به نسیم یاد تو راضیم نه گلایه ای نه شکایتی

نه، مرا نبین، رصدم نکن، و نظر به خوب و بدم نکن
ز درت بیا و ردم نکن تو که از تبار کرامتی

قاسم صرافان

مناجات با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

روزی ام را روزگارم تا که آجر می کند
ظرف خالی مرا صاحب زمان پر می کند
من کمی سختی که می بینم شکایت می کنم
آدم عاقل ولی اول تفکر می کند

مدعی عاشقی هستم ولی تنها دلم
روز و شب بر عاشقی کردن تظاهر می کند

آبرو بردم ولی آقا مرا بیرون نکرد
آدم از این نوع برخوردش تحیر می کند

سنگ دل هستم، ولی دارد نگاه رحمتش
سنگ این قلب مرا با گریه ها در می کند

یک زمانی هم بنا باشد که تغییرم دهد
در میان روضه ی مادر مرا خُر می کند

نوکری فاطمه محشر به دادم می رسد
از غلام مادرش آقا تشکر می کند

سینه ام می سوزد این ایام تا ذهنم کمی
چادری را زیر دست و پا تصور می کند

مطمئنم زیر دست و پا که می افتد زنی
بازویش را ضربه ها هم رنگ چادر می کند

محمد جواد شیرازی

امید بزرگ....

باید سعی کنید تا زمینه را برای آن چنان دورانی
[دوران ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف] آماده کنید؛

دورانی که در آن، ظلم و ستم

به هیچ شکلی وجود ندارد؛

دورانی که در آن، اندیشه و عقول بشر،

از همیشه فعالتر و خلاقتر و آفریننده تر است؛

دورانی که ملت‌ها بایکدیگر نمی‌جنگند؛

دست‌های جنگ افروز عالم

- همانهایی که جنگ‌های منطقه‌یی و جهانی

را در گذشته به راه انداختند و می‌اندازند -

دیگر نمیتوانند جنگی به راه بیندازند؛

در مقیاس عالم، صلح و امنیت کامل هست؛

باید برای آن دوران تلاش کرد.

قبل از دوران مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف،

آسایش و راحت طلبی و عافیت نیست.

در روایات، «والله لتمحصن» و

«والله لتغربلن» است؛

بشدت امتحان میشوید؛

فشار داده میشوید.

امتحان در کجا و چه زمانی است؟

آن وقتی که میدان مجاهدتی هست.

قبل از ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف،

در میدانهای مجاهدت،

انسانهای پاک امتحان میشوند؛

در کوره‌های آزمایش وارد میشوند

و سربلند بیرون می‌آیند

و جهان به دوران آرمانی مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف

روز به روز نزدیکتر میشود؛

این، آن امید بزرگ است

۱۳۷۰/۱۱/۳۰

